

شوروی ستیری و توده‌ای ستیری، وجه مشترک سیاست امپریالیسم و ارتجاع خواستار مسخ انقلاب بهمن

دولت " دوست و برادر" ترکیه - که در پیمان تجاوزکارانه ناتو نیز عضویت دارد - ابراز رضایت و خشنودی کردند.
امروزه با چرخش هیلت حاکم ج. ا. به راست و همسویی و همسانی هر چه بیشتر آن با امپریالیسم ابراز رضایت و خشنودی مقامات ج. ا. از گسترش روابط با دولت های وابسته به امپریالیسم، مانند دولت کودتایی ترکیه، تعجب برانگیز نیست. ولی بقیه در صفحه ۱۱

در هفته گذشته وزیر امور خارجه ترکیه به همراه هیئتی از مقامات اقتصادی و سیاسی آن کشور برای دیداری دو روزه به ایران سفر کرد. اوطلی این سفر که زمینه ساز سفر یک هیلت بازرگانی از ترکیه و مقدمه سفر نخست وزیر آن کشور به ج. ا. است، با مقامات کوناگون جمهوری اسلامی از جمله رییس جمهور، رییس مجلس، نخست وزیر و وزیر امور خارجه ملاقت کرد. در این دیدارها کلیه مقامات جمهوری اسلامی از گسترش روابط اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی با

راه توده

شهره‌داران حزب توده ایران در طرح از کشور

دوشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۶۲

مطابق ۱۹ مسابرس ۱۹۸۴

سال دوم، شماره ۸۴

بسیار: ۱۰۰ ریال

نوروز پیروز است!

سال نو شد.

عید است و مردم کوچه و بازار، شهنشاده، به رهم فصل‌های اشک و عزا و رنجی که پشت سر گذاشته اند، به آن لبخند می‌زنند.
سالی پر کسوف و کابوس، پر مبین ما گذشت. سالی که پیوسته یورش به حزب توده ایران آغاز شد و با یورش همه سویه به منافع محرومین پایان گرفت. سالی که امپریالیسم آمریکا، دشمن ترین خصم زحمتکشان، به دوست بی‌خطر جمهوری اسلامی بدل شد. سالی که صاحبان اصلی زمین، غاصبان "فساد ساز" لقب گرفتند و به حاشیه شهرها، به کناره زندگی، به آن سوی صحنه انقلاب رانده شدند. سالی که کارگران چشم به راه ثمرات انقلاب، جلوس کبریائی سرمایه‌داران را بر صندلی "کارفرمایی" به چشم خود دیدند. سالی که درخت زقوم جنگ، با زخم با خون هزار جوان زندگی ساز آبیاری شد. سالی که نوید آزادی، به هر بنده چنوب آمیز استبداد و ترور رسید و در دستانی که با وعده آزادی به سوی خلق دراز شده بود، سرنیزه و ژانگشت و قلب بقیه در صفحه ۸

چشم براه!

سرخ گل امسال

بیهده بر شاخسار چشم به راه است.
بیهده سر می‌کشد به خامشی باغ
بیهده دل می‌دهد به قاصدک باد
بر لب باد وزنده آتش آه است

سرخ گل امسال

رنگ پریده است،

جامه دریده است،

مضطرب خون تپیدگان سپیده است.
فاجعه را با دهان بسته گراه است.

حسرت آواز

جای خالی پرواز

غیبت آن جان پاک غلغله انداز
باغ تپی مانده را به گوش و نگاه است
سرخ گل اما

در تک تشویش باغ، چشم به راه است.

سیاوش کسرائی

۱۲ اسفند ۱۳۶۲

لاش جنگ افروزان برای پرده پوشی شکست فاجعه آمیز و تجاوز ظامی امپریالیسم آمریکا

استفاده عراق از سلاح های شیمیایی امپریالیستی، پلانه ای برای عوام فریبی و بهبود مناسبات با امپریالیسم

ایجاد دهشتناک تلفات و خسارات ج. ا. در

پیچ شکست ماجراجویی های اخیر سران ج. ا.

با واکنش گسترده توده های مردم مواجه شده

ت. موج نارضایتی و اعتراض زحمتکشان به

امه جنگ توسعه طلبانه، و بازگشت و فرار

سختکشان بسیجی از جبهه ها، سران ج. ا. را

اسیمه کرده است. استفاده از اقتدار مذهبی

لی ترین مقامات حاکمیت برای جلب اعتماد

دم کفایت نکرده است. مردمی که ایجاد

جعه آمیز... ز این شکست را - به دنبال

کست های بیست ماهه اخیر - در

بیع جنازه های گروهی روزمره ده ها هزار تن

فرزندان خویش در شهرها و روستاهای کوچک

بزرگ سراسر کشور، در سرنوشت نامعلوم

اران تن از بازماندگان - زنده یا مرده - در

ک عراق که نشانی از آنها در دست نیست، در

ل پایان ناپذیر ده ها هزار زخمی و

لولو آوارگی صدها هزار تن دیگر از م

بنان خویش لس می‌کنند. ادعاهای بی پایه

ک طلیان مینی بر کسب پیروزی را باور

کنند و سران ج. ا. به ناگزیر به ترفند های

زه ای برای "تکذیب" شکست و توجیه "عقب

ینی" دست می‌زنند. آقای هاشمی رفسنجانی

د را ناگزیر می‌بینند به مردم اطمینان دهد که

آنان دروغ نمی‌گویند:

"اما وضع امروز جبهه... غیر از پیروزی

زی نیست. مطمئن باشید که به عنوان یک

بقیه در صفحه ۲

در صفحات بعد

ضمیمه نوروزی: نوروز را جشن بگیریم!

عیدی دولت به سرمایه داران صفحه ۷

اتحاد شوروی استعمال هر نوع سلاح شیمیایی را محکوم می‌کند صفحه ۶

«اعتصاب غذای ۶۴۰۰ میهن دوست ایرانی در لندن» صفحه ۳

اعتصاب غذا در آلمان فدرال صفحه ۴

پیام سازمانهای حزب توده ایران در خارج از کشور به مبارزان اعتصابی:

دست خونین حاکمیت رو بر تافته از خلق را کوتاه سازیم!

صفحه ۵

باید ارباب دهم بستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

در روزهای گوناگون

تلاش جنگ افروزان برای پرده پوشی

بقیه از صفحه ۱

گوینده صدیق که همه چیز را می خواهم با مردم صادقانه مطرح بکنم عرض می کنم ..."

در همان حال ادعا می کند که گویا رژیم عراق اجساد سربازان ایران را از سراسر جبهه چند صد کیلومتری گرد آورده و اجساد کشته شدگان خویش را نیز به آن افزوده و در باتلاق های جبهه جنوبی رها کرده و آن ها را به عنوان تلفات بی شمار ایران در عملیات خبیر به خبرنگاران نشان داده است !

لحن التماس آمیز آقای رفسنجانی در تلاش برای جلب حمایت مردم از ادامه جنگ توسعه طلبانه بی سابقه است :

" ما که هر چه فکر می کنیم، هر چه دقت می کنیم، مفری نمی بینیم . تنها راهی که ... می تواند عملی بشود اینست که حزب بعث عراق از صحنه بیرون رود ... چیز دیگری به ذهن ما واقعاً نمی رسد. کسانی که حرف ما را می شنوند و چیزی به نظرشان می رسد، عندالله بگویند که راهی وجود دارد یا وجود ندارد؟" (نماز جمعه ، ۱۹ اسفند ۶۲ - کیهان)

چنانکه از این سخنان آشکار است، سران ج. ا. سعی می کنند، بن بست سیاسی حاکمیت را مسئله مردم جلوه دهند، و این فاجعه ملی را همچنان به مردم تحمیل کنند.

استفاده عراق از سلاح های

شیمیایی امپریالیستی

بهانه ای برای توجیه شکست نظامی

یکی از ویژگی های مرحله اخیر جنگ، تشدید خصلت ضد انسانی آن، گسترش کشتار مردم بی گناه شهرهای مرزی دو کشور از یک سو، و استفاده صدام حسین از سلاح های شیمیایی امپریالیستی از سوی دیگر بود. بشریت مترقی استفاده از سلاح های شیمیایی را از دیرباز ممنوع اعلام کرده است، و در جریان حوادث اخیر جنگ ایران و عراق نیز این اقدام جنایتکارانه صدام حسین را محکوم کرده است.

اما سران ج. ا. که مسئولیت مستقیم قتل عام ده ها هزار تن از هم میهنان ما، در جریان ادامه توسعه طلبانه جنگ ایران و عراق را به عهده دارند، امروز نیز استفاده جنایتکارانه صدام حسین از سلاح های شیمیایی را به وسیله ای برای توجیه شکست نظامی خویش، غلبه بر اعتراضات و مقاومت های مردمی نسبت به ادامه جنگ، و زمینه سازی برای کسب دوباره زحمتکشان به قتلگاه تبدیل کرده اند.

کاربرد سلاح های شیمیایی از سوی عراق - به گفته رییس جمهوری اسلامی - به کشته و مجروح

شدن قریب هزار تن از هموطنان ما انجامیده است. این رقم کمتر از چند درصد مجموع تلفات ایران در حملات نافرمانی اخیر است. روشن است که عمل جنایتکارانه رژیم عراق را نمی توان عامل نظامی شکست ماجراجویی های جنگ طلبان حاکم دانست. این عمل جنایتکارانه نه این شکست قابل پیش بینی را توجیه می کند و نه مسئولیت مستقیم جنگ افروزان را در تحمیل این فاجعه مصیبت دیده ما منتفی می سازد.

کاربرد سلاح های شیمیایی از سوی عراق، بهانه ای برای پرده پوشی، تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و وسیله جدیدی برای بهبود مناسبات با آن!

یکی از نتایج مستقیم جنگ افروزی کشور کشیانه عظمت طلبان ج. ا. تثبیت حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس است . ایالات متحده، منطقه گسترده ای از آبها و فضای خلیج فارس را تحت کنترل نظامی مستقیم ناوگان خویش در آورده است و مقرراتی که برای عبور کشتی ها و هواپیماهای "خارجی" از این منطقه وضع کرده است به مراتب محدودتر از مقرراتی است که در آبهای تحت حاکمیت مستقیم آمریکا اعمال می شود. ماه گذشته رزمناوهای آمریکایی با آغاز عملیات جنگی علیه هواپیماها و کشتی های ایران در قالب تجاوز نظامی آشکار، حق حاکمیت ملی مردم را وقیحانه زیر پا گذاردند.

حادث شدن مناسبات با امپریالیسم جهانی با استراتژی سیاسی - نظامی که سران ج. ا. برای پیروزی ناممکن در جنگ توسعه طلبانه تنظیم کرده اند - فایده دارد . بدست است که حاکمیت ج. ا. سیاست تسلیم به اساسی ترین منافع و مطامع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، برای جلب پشتیبانی بازم بیشتر آنان از ج. ا. و دست برداشتن از حمایت از حکومت عراق را دنبال می کنند. این سیاست هفته گذشته نیز در این سخنان رئیس مجلس ملاقات با وزیر خارجه ترکیه - با ژنرال یافت :

" اگر صدام را به حال خودش واگذاریم ... هم کشورهای نفت خیز عرب را با خود به ورطه سقوط بخواهد کشید و هم مجری اهداف شوروی خواهد بود. ... در سایه حل مسئله عراق مسئله افغانستان نیز قابل حل است. اگر این مسئله حل نشود در افغانستان هم مشکلات قابل حل نیستند. هم اکنون دو مشکل مهم منطقه افغانستان و حزب بعث عراق است ... اگر این دو مشکل حل شود کشورهای عربی و ما و شما و پاکستان می توانیم همکاری های سازنده تری برای منطقه داشته باشیم ... و همچنین حسن دیگر آن اینست که اگر یک حکومت اسلامی در عراق به وجود بیاید خطر کمونیسم از منطقه دور خواهد شد" (ج. ا. ۱۲ اسفند ۶۲) .

این سخنان که به ویژه در شرایطی که میهن ما مورد تجاوز امپریالیستی ایالات متحده قرار

گرفته است بیان می شوند، آشکارا د می دهند که سران ج. ا. برای جلب پشتیبانی کامل امپریالیسم آمریکا چگونه و تا چه آماده اند که منافع ملی مردم را به سبک گذارند و در کنار دست نشاندگان امپریال به کارگزاران ضد انقلابی ترین نقشه های ارتد امپریالیستی تبدیل شوند.

برای بی گیری این سیاست خائنانه است حاکمیت ج. ا. درباره تجاوز نظامی امپریال آمریکا به حق حاکمیت ملی مردم ما سک می کند. برجسته ترین مقامات ج. ا. در سبب اخیر خویش کمترین اشاره ای به اشغال نظ خلیج فارس از سوی ایالات متحده ندارند، برابر این مهترین تحولات منطقه در سال اخیر به اعتراض حقوقی ملایم وزارت خار ج. ا. در یک اطلاعیه کوتاه سه هفته پیش "ماجراجویی" ایالات متحده بسنده می کند.

همسویی امپریالیسم خبری و رسانه های گروهی جمهوری اسلا

در پیامد این واکنش آشکارا تسلیم طلبان که در عمل به معنای به رسمیت شناختن "منا و منطقه تحت حاکمیت امپریالیسم آمریکا خلیج فارس است، هفته گذشته کشور امپریالیستی که خود سلاح شیمیایی را به استفاده در اختیار عراق گذارده اند به طور صدا کار برد این سلاح ها از سوی رژیم و رامحکوم کردند. وزارت خار آمریکا تا آنجا در این واکنش حرارت به خرج که سخنگوی رژیم عراق ایالات متحده را "دروبی" متهم کرد. امپریالیسم خبری آشت با تبلیغاتچی های جمهوری اسلامی در ت جنگ افروزان هم صدا شده است.

این رویدادها را نمی توان جز به مع قدردانی امپریالیسم جهانی از جمهوری اسلا به خاطر "تفاهم" در قبال تثبیت حضور نظ امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس ارز کرد. سران جمهوری اسلامی نیز که در روز نخست، امپریالیسم جهانی و پیش از امپریالیسم انگلستان و آمریکا را در واگذ سلاح های شیمیایی به عراق مسئول می دانست اینک با مشاهده واکنش "مثبت" کشور امپریالیستی تلاش دارند که پای اتحاد شورو دیگر کشورهای سوسیالیستی را که قاطب با هرگونه تولید و استفاده از این سلاح مخالفند، در این ماجرا به میان بکش بدینسان آنان آشکارا تلاش می کنند که کار جنایتکارانه سلاح های شیمیایی از سوی و را، به کارزاری تبلیغاتی برای بهبود مناسبات با امپریالیسم جهانی و پرده پوشی تجاوز نظ آمریکا به حق حاکمیت ملی مردم ما تبدیل کنند.

نیاز دم افزون به روی آوردن به ترفندهای رسوا، بیانگر درمماندگی هر چه بی حاکمیت جمهوری اسلامی است .

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

«اعتصاب غذای ۶۴ میهن دوست ایرانی در لندن»

شرکت کننده در اعتصاب غذا مصاحبه ای به عمل آورد - رادیو مئرو در نیوکاسل و رادیو پیرمینگهام، با یکی از نمایندگان "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" گفتگویی ترتیب داد. همچنین روزنامه های مورینگ استار، ایونینگ کرونیکل (نیوکاسل) و اکوی نیوکاسل به درج مقالات و اخبار این اعتصاب غذا اقدام نمودند.

«کنفرانس مطبوعاتی»

اعتصاب کنندگان در پنجمین روز اعتصاب خود در کنفرانس مطبوعاتی، در محل شورای شهر لندن شرکت کردند. در این کنفرانس مطبوعاتی نمایندگان خبرگزاری ها و مطبوعات از جمله سرویس خبری کیپودو ژاپن، میدل ایست تایمز، میدل ایست نیوز، روزنامه مورینگ استار، روزنامه گاردین و الاتحاد - ارگان حزب کمونیست اسرائیل حضور داشتند. کنفرانس مطبوعاتی با سخنان کمیته دفاع از حقوق مردم ایران افتتاح شد که طی آن، به ضرورت ایجاد جنبش وسیع همبستگی در بریتانیا، علیه پایمال شدن حقوق بشردمکراسی در ایران تاکید شد. سپس یکی از اعصاب کنندگان تحلیل موجزی از اوضاع ایران ارائه داد. وی همچنین گفت:

" رژیم ایران برای سرپوش گذاشتن بر ناکامی در حمله ماجراجویانه اخیر - والفجرها - دست به اعدام ۱۰ تن از اعضای حزب توده ایران، منجمله ۲ نظامی عالی رتبه، (ناخدا بهرام افضلی فرمانده نیروی دریایی، سرهنگ بیژن کبیری فرمانده نیروهای مسلح در خوزستان و سرهنگ هوشنگ عطاریان فرمانده نیروهای مسلح در غرب کشور) زد تا موج مخالفت با ادامه جنگ میان نیروهای مسلح و مردم را سرکوب کند."

یکی از فعالین حزب توده ایران در اصلهان از چگونگی مورد پیگرد قرار گرفتن خود و سپس جلای وطن صحبت کرد. وی گفت:

" هنگامی که رژیم از یافتن من ناامید شد، برادر ۱۵ ساله ام را گروگان گرفت. جلدان رژیم، ۲ ماه او را شکنجه کردند تا مخفیگاه مرا به آنها بگوید. اکنون اوضاع جسمی و روحی برادرم، بسیار وخیم است."

وی همچنین از اسدالله ریاحی یکی از فعالین حزب توده ایران در شهر کرد یاد کرد که ماموران سفاک رژیم، وی را زیر شکنجه کشتند و جسد او را با آواراه شکسته، پاهای شکسته و بدن سوخته به خانواده اش تحویل دادند.

به اعتصاب کنندگان پیام فرستاده اند به قرار زیر است:

- ۱- هیئت اجرایی حزب کمونیست بریتانیای کبیر
- ۲- بخش بین المللی حزب کمونیست بریتانیای کبیر
- ۳- حزب کمونیست جمهوری فدرال آلمان
- ۴- کمیته سیاسی تعاونی ها در بریتانیا
- ۵- کنگره اتحادیه های کارگری اسکاتلند
- ۶- مجمع شورای اتحادیه های کارگری لندن
- ۷- اتحادیه سراسری کارگران چاپ بریتانیا
- ۸- اتحادیه کارگران چوب - درودگری سراسری بریتانیا
- ۹- اتحادیه کارگران دخانیات سراسری بریتانیا
- ۱۰- کنگره اتحادیه کارگری ناحیه غرب میانه بریتانیا



- ۱۱- مجمع ملی زنان در بریتانیا
 - ۱۲- اتحادیه زنان عراقی شعبه بریتانیا
 - ۱۳- جامعه زنان قبرس
 - ۱۴- مرکز صلح بیرمنگام
 - ۱۵- جنبش صلح اتحادیه های کارگری بریتانیا
 - ۱۶- آقای باب کلی، نماینده مجلس عوام
 - ۱۷- آقای هری کوال، نماینده مجلس اروپا
 - ۱۸- بانو آن کلاید، نماینده مجلس اروپا
 - ۱۹- آقای وین کریفیت، نماینده مجلس اروپا
 - ۲۰- کنگره ملی آفریقا A.O.C
 - ۲۱- انجمن دانشجویان عراقی
 - ۲۲- سازمان جوانان حزب کمونیست یونان
 - ۲۳- آقای ران دیویس، نماینده مجلس عوام
 - ۲۴- شعب سازمان عفو بین المللی "امنستی" در شهرهای بریج اند، باث و بریستول
- خبر این اعصاب غذا و همچنین جنایات رژیم جمهوری اسلامی در حق نیروهای انقلابی در رسانه های گروهی انگلستان، منعکس شد. از جمله رادیوی BBC با یک پناهنده سیاسی

به از صفحه ۱ " کمیته دفاع از حقوق مردم ان " اعتصاب غذای ۵ روزه ای در شهر لندن نیب داد. در این اعتصاب غذا، ۶۴ تن از میهن ستان ایرانی، از سراسر بریتانیا، منجمله اداران حزب توده ایران، سازمان فدائیان ایران و چندین تن از پناهندگان سیاسی کت نمودند.

اعتصاب غذا با تظاهرات ایستاده در مقابل اوت جمهوری اسلامی ایران در لندن شروع شد. در طول این اعتصاب، اعتصاب کنندگان و یندگان سازمانهای مترقی از جمله حزب نیست بریتانیا، حزب کمونیست عراق، ب کمونیست اسرائیل و شخصیت های مترقی که با حمل پلاکارها و دادن شعار، جنایات کمیت ارتجاعی ایران را در رابطه با اعدام کانه ده تن از افسران و اعضای حزب توده ان و سیاست شوونیستی جنگ افروزانه مداران جمهوری اسلامی را افشا و محکوم

ند. از جمله دیگر اقدامات اعتصابیون در طی ۵ روزه، شرکت در گردمائی اتحادیه سری دانشجویان، حضور در اماکن عمومی، ن اعلامیه های افشاگرانه و ملاقات با بوعات و رسانه های گروهی به منظور افشا نت و جنایت های رژیم جمهوری اسلامی و یقات علیه میهن دوستان ایرانی بود.

ین حرکت انقلابی با پشتیبانی گسترده و همه به احزاب و سازمانهای سیاسی و صنفی و قی روبرو شد. رهبران جنبش کارگری و بدگان احزاب و سازمانهای حمایت کننده حضور در محل برگزاری این اعتصاب غذا بیانی مجدد خود را از این حرکت و رزات مردم ایران ابراز داشتند.

در پیام همبستگی بخش بین المللی حزب نیست آفریقای جنوبی ضمن حمایت کامل از اب کنندگان از جمله آمده است:

"نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی، جهان اد بیشتری از بهترین زنان و مردان ایران، له اعضای حزب توده ایران را که نقش دیل قهرمانانه ای در مبارزات مپریالیستی مردم ایران داشته اند، تهدید رگ می کند."

خواست اعتصاب کنندگان پایان دادن به اشت های غیرقانونی، شکنجه و اعدام میهن تان و مبارزان ایرانی، پایان دادن هرچه تر به جنگ خانمانسوز ایران و عراق، قطع ال اسلحه به ایران بود.

سامی برخی از سازمانها و شخصیت هائی که

اگسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

برگزاری مراسم ۸ مارس (روز جهانی زن) در شیکاگو

آمریکا

روز ۸ مارس ۱۹۴۴ مراسم همبستگی با زنانه سیاسی مرفقی ایران، از طرف حزب کمونیست شهر لوس آنجلس - کمیته همبستگی با ایران (جنوب کالیفرنیا) و ائتلاف برای صلح خاور میانه در این شهر برگزار شد.

این مراسم برای اعتراض به اعمال غیرانسانی و فشار دولت جمهوری اسلامی ایران و نیروهای مرفقی در کشور و به ویژه > توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران، خواست فرستادن یک هیئت بین المللی مر از حقوق دانان و پزشکان متخصص به ایران شد.

شرکت کنندگان در جلسه، اعدام افسر میهن دوست و دمکرات وعده ای از اعضای > توده ایران را شدیداً محکوم کردند.

مارک آلن عضو کمیته مرکزی > کمونیست ایالات متحده آمریکا، مورد انتقاد ایران که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران کج راه کشیده می شود و در سرایش شکسته دارد و نقش سرمایه داران ایران عوامل امپریالیسم در رابطه با تأییدات جمهوری اسلامی به سازش با کشورهای امپریالیست فشار و سرکوب نیروهای مرفقی، به ویژه > توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران > گفت.

گروه های مرفقی و دمکراتیک که در برنامه شرکت و از آن پشتیبانی کردند عبا بودند از: شورای صلح ایالات متحده آمریکا لوس آنجلس - هواداران جبهه دمکراتیک و آزادی فلسطین - جنبش وسیع برای همبستگی مردم السالوادور - انجمن دانشجویان عراقی ایالات متحده آمریکا و کانادا - اتحاد جوانان دمکرات عربستان سعودی در آمریکا سازمان جوانان حزب کمونیست آمر (لوس آنجلس) - هواداران حزب توده ایران ایالات متحده آمریکا (جنوب کالیفرنیا) هواداران سازمان فدائیان خلق ایران در > از کشور، سازمان جمهوری آمریکا.

تصحیح و بپوش

متاسفانه در تنظیم مطالب دفاعی اشتباهی داده است که تصحیح آن ضروری است. از جمله در مطالب دفاعی " راه تو شماره ۷۸، در رابطه با ترتیب دادن همبستگی یا حزب توده ایران در شهر بن هندوستان چنین آمده بود که این غرفه از هواداران حزب در این شهر ترتیب یافته است درست این است که این غرفه به کوشش رف سازمان فدائیان خلق ایران این شهر ترتیب یافته بود و تمام فعالیت های حول آن نیز سوی رفقای فدائی این شهر سازمان داده شده بود.

با پوشش از خوانندگان " راه توده "، کو می کنیم با دقت بیشتر از این گونه اشتباه جلوگیری کنیم.



همبستگی خود را با زنان ایران، زندانیان سیاسی و در بند و سایر میهن دوستان ایرانی ابراز داشتند.

روز ۱۰ مارس به مناسبت بزرگداشت روز جهانی زن و

همچنین به منظور بزرگداشت خاطره خانم لولیت آلت، عضو کمیته مرکزی حزب سوسیالیست پورتوریکو و رزمنده انقلابی در امر مسائل زنان که روز ۲۴ فوریه سال جاری درگذشت، مراسمی از سوی سازمانهای مرفقی و پیشرو زنان در شهر شیکاگو ایالات متحده آمریکا برگزار شد. سازمانهای شرکت کننده در این مراسم عبارت بودند از: جبهه آزادی بخش فارابوندو مرفقی، سازمان زنان السالوادور، کمیسیون زنان حزب سوسیالیست پورتوریکو، خانه شیلی، خانه نیکاراکو، چندین سازمان دیگر و همچنین سازمان هواداران تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در بخش میانه آمریکا.

در این مراسم در کنار تجلیل از مبارزات خانم آلت، پیام های شادباشی از سوی سازمانهای شرکت کننده از جمله پیام تشکیلات دمکراتیک زنان ایران به مناسبت روز جهانی زن، توسط یکی از هواداران این تشکیلات خوانده شد. مدعوین در حین بازدید از میز نشريات و غرفه هواداران تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و دریافت نشريات تشکیلات با امضای کارت های دفاعی و طومارهای اعتراضی،

اعتراض به پیگرد زنان دمکرات ایرانی

جلسه ای که ۱۷ فوریه (۲۸ بهمن) از طرف تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در اتریش، در وین برگزار شد و در آن نیروهای مرفقی خارجی نیز شرکت داشتند، با عنوان همبستگی با دمکراتهای دربند ایران و به ویژه زنان ایران با امضای طومارهای اعتراضی، اعمال دمنشانه رژیم جمهوری اسلامی را در قبال نیروهای دمکرات ایران محکوم کردند. نمایندگان سازمان زنان اتریش نیز بدین مناسبت پیامی قرائت کردند.

در تاریخ ۱۴ فوریه (۲۵ بهمن)، جلسه ای به عنوان همبستگی با اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و سایر زندانیان دمکرات، از طرف سازمان دمکراتیک زنان اتریش در وین برگزار شد و پس از در جریان قرار دادن حاضرین نسبت به رویدادهای اخیر ایران و به ویژه تغییرات و فشار بر زنان زندانی، این جلسه تصویب کرد، اعتراض نامه ای جهت محکوم کردن این اعمال تهیه و به سفارت جمهوری اسلامی ایران در اتریش ارسال کرد.

اعتصاب غذا در آلمان فدرال

نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی آلمان فدرال از جمله حزب سبزهای آلمان فدرال، حزب سوسیال دمکرات آلمان فدرال، حزب کمونیست آلمان فدرال و سازمانهای دیگر با فرستادن نمایندگان خود به محل اعتصاب غذا و با صدور اطلاعیه هایی از این حرکت اعتصابی حمایت به عمل آوردند. مشروح گزارش این اعتصاب غذا در شماره آینده " راه توده " چاپ خواهد شد.

" کمیته همبستگی با ایران " در آلمان فدرال اعتصاب غذای ۵ روزه ای در شهرهای بن و کلن ترتیب داد. در این اعتصاب غذا که در اعتراض به جنایات حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی مرفقی و ضد امپریالیست ایران و محکوم کردن سیاست شوونیستی و جنگ طلبانه رژیم ایران، برگزار شده بود، تعداد زیادی از ایرانیان مرفقی و دمکرات در سراسر آلمان فدرال شرکت کردند.

ستم و اختناق مرز نمی شناسد!

می سوختم از شعارها و تحلیل های حزب توده ایران خوش آمد و به همین علت جذب حزب شدم...

در جمهوری اسلامی، دفاع از محرومان، گذراندن ماه ها در جبهه های جنگ، زخم برداشتن در آوردگاه های مرگ و خون، افشای ضدانقلاب، مبارزه با پلیس محمدرضا شاهی، تشکیل گروه های کارگری برای مبارزه در راه سرنگونی شاه، داشتن اسم مستعار، پرداخت حق عضویت، اجرای قرارهای تشکیلاتی، ارائه کمک مالی و... جرم محسوب می شود، جرمی نابخشودنی و مستحق مجازات مرگ و پوسیدن در دخمه های سپاه رژیم.

آقای نخست وزیر در مصاحبه ای با کیهان - ۱۹ اردیبهشت - جرائم سنگین حزب توده ایران را چنین بازگرمی کند:

"حزب توده با ظاهر فریبنده ای که در کشور به خود می گرفت، به هر برنامه ای که به نفع مستضعفین بود، ضربه می زد... در نتیجه این برنامه ها و حرکت ها به صورت چپ زده و یا بوی مارکسیستی تبلیغ می شد و به این وسیله برنامه های بنیادین می توانست تخطئه شود..."

و به این ترتیب چهره مقصر اصلی را از نظر نخست وزیر و برتافته از خلق چنین ترسیم می کند: برنامه اصولی و انقلابی حزب توده ایران که با شناخت علمی و دقیق از جامعه و جهان و خواست ها و نیازهای مردم تنظیم شده و تمامی توده ای ها برای تحقق بخشیدن بدان، با همه توان و ایمان خود پا به میدان گذاشتند، میدانی که به انقلاب و به برپا کنندگان آن تعلق داشت و جایی برای دشمنان مردم و خائنان به آرمانهای انقلاب باقی نمی گذاشت.

خصومت دیرین و پنهان راستگرایان و قشریون با حزب توده ایران و برنامه ها و بقیه در صفحه ۶

محاكمات فرمایشی هواداران و اعضای حزب توده ایران که بر اساس "دستور العمل های ارسال" مقامات مرکز انجام می گیرد، در شهرهای مختلف همچنان در جریان است. این محاكمات ساختگی و برق آسا که در یک یا دو جلسه، سرنوشت زندگی و آزادی انسان های بی گناهی را رقم می زند که با تمام قلب و اندیشه خود برای زندگی بهتر، شرافتمندانه و آزادانه مردم محروم سرزمین خود رزمیده اند، در پی کشتار خونین انتقام جویانه ۱۰ تن از افسران و اعضای حزب توده ایران، آغاز شد. به رغم اعتراضات گسترده مردم و مخالف مترقی ایران و جهان (که گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد به کمیسیون حقوق بشر نیز نمونه بارز آنست) شکستن معیارهای انسانی و اخلاقی، زیر پا گذاشتن موازین حقوقی و بین المللی، نقض قانون اساسی و نیز قوانینی که به امضای بالاترین مراجع قضائی و قانونگذاری جمهوری اسلامی مهر شده و بیگانگی با تمامی ضوابط مورد پذیرش بشریت متمدن، ویژه گی های بارز این "دادگاه" هاست.

حاکمان جمهوری اسلامی مرز "جاسوس" و "برانداز" را تا آن سوی کسانی که خواه عضوی هوادار، توسعه داده اند که آشکارا اعلام می کنند، تنها به خاطر "بازگویی ظلم خوانین و مالکین و فئودال ها در روستاها" به حزب توده ایران پیوسته اند.

در ج.ا. اعتقاد به دو جبهه جهانی انقلاب و ضدانقلاب جرم است: "در جهان دو نیرو، یکی انقلاب و دیگری نیروی ضدانقلاب است. فکرمی کردم انقلاب ایران زمانی می تواند جان بگیرد که متصل بشود به جبهه انقلاب ها..."

در جمهوری اسلامی، عشق به آرمانهای عدالت جویانه جرم است:

"... من که در عشق عدالت اجتماعی

پیام سازمانهای حزب توده ایران در خارج از کشور به مبارزان اعتصابی! دست خونین حاکمیت رو برتافته از خلق را کوتاه سازیم!

جنایت مفسده جویانه اعدام افسران توده ای و دیگر اعضای حزب توده ایران به دست ارتجاع جمهوری اسلامی ایران نقطه اوجی است در راه خیانت به منافع زحمتکشان میهن ما و به اهداف انقلاب شکوهمند بهمین ۵۷.

جنایتکارانی که روزانه هزاران جوان بی گناه ایرانی را طعمه شعله های جنگ توسعه طلبانه و کشتور گشایانه خود می کنند و با ادامه جنگ توسعه طلبانه راه ورود ارتش امپریالیسم آمریکا را به خلیج فارس باز کرده اند، و راه احیای وابستگی های اقتصادی و نظامی و ادامه همسویی با امپریالیسم جهانی را برگزیده اند، چاره ای به جز یورش خونین به نیروهای مردمی و ضدامپریالیست و پیشاپیش آنها حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران و بهترین فرزنداناش که از میهن انقلابی و دستاوردهای انقلاب پایای چوبه تیرباران نیز دفاع می کنند، ندارند.

رفقا و دوستان اعتصابی!

شما با اعتصاب غذای خود، نشست ها و میتینگ های پرشور خود ضربه های جانانه ای از طریق افشای سیمای کربه خفقان و سرکوب در ایران، به دستگاه ضدانسانی، بی فرهنگ و کوتاه بین حاکمیت جمهوری اسلامی ایران وارد می سازید.

محکوم کردن حاکمیت جمهوری اسلامی ایران توسط سازمان ملل متحد، به عنوان حاکمیت سرکوبگر و قانون شکنی، که این روزها در گزارش مفصلی توسط دبیر کل سازمان ملل متحد ارائه شده است و در آن به پایمال شدن حقوق بشر و اعدام رفقای توده ای ما اعتراض شده است، نشانه ثمر بخشی و موفقیت کوشش های فداکارانه و وظیفه شناسانه شما هواداران استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما است.

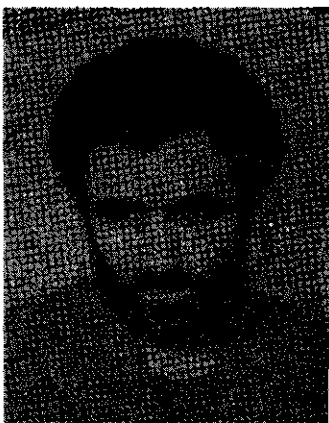
به نام سازمانهای حزب توده ایران در خارج از کشور با درود پرشور به شما دستتان را می فشاریم و برای نبرد افشاگرانه شما علیه اختناق رژیم راستگرای جمهوری اسلامی آرزوی موفقیت بسیار داریم.

- زنده باد همبستگی و اتحاد نیروهای میهن دوست و مترقی در جبهه متحد خلق!
- زنده باد همبستگی بین المللی!
- دست خونین جلاد کوتاه باد!
- تنگ و نفرت به حاکمیت خائن به منافع خلق!

سازمانهای حزب توده ایران در خارج از کشور

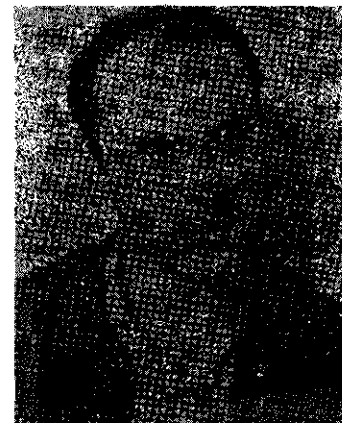
۱۳۴۱ اسفند ۱۳۴۱

رفیق خسرو لطفی



رفیق شهید خسرو لطفی به "جرم" فعالیت علیه رژیم شاه در تشکیلات توده، اعدام شد

رفیق شاهرخ جهانگیری



رفیق شهید شاهرخ جهانگیری به "جرم" فراگرفتن مبارزه با پلیس رژیم شاه اعدام شد

رادیو مسکو: اتحاد شوروی استعمال هر نوع سلاح شیمیایی را محکوم می کند

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران با استناد به مضامینی که در روزنامه "گوش" چاپ ترکیه انتشار یافته، خبری منتشر کرد مبنی بر اینکه گویا کارشناسان نظامی شوروی به عراقی‌ها نحوه استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران را می‌آموزند.

مفسر رادیو مسکو در رابطه با این خبر می‌نویسد:

"تصور دروغی بی‌پایه‌تر از این اباطیل و ساخته‌های فکری، واقعا کاری است مشکل همه می‌دانند که اتحاد شوروی از نخستین روزهای بروز درگیری و جنگ میان ایران و عراق برآن بوده و هست که مسائل مورد اختلاف دو کشور همسایه، باید تنها از طریق مسالمت حل شود و این یگانه راه مقولانه رفع اختلاف و درگیری است. این مطلب با صراحت تمام در بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام شد. ما جنگ میان ایران و عراق را بی‌معنا و بنابراین این فاجعه‌آمیز می‌دانیم.

اتحاد شوروی این نقطه نظر خود را به کرات اعلام کرده است. دروغ‌هایی که در باره روش اتحاد شوروی در مسئله تولید و استفاده از سلاح شیمیایی پرداخته شده و از سوی خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران هم تکرار می‌شود، ارزش انتقاد ندارد."

مفسر رادیو مسکو می‌نویسد: "اتحاد شوروی موافقتنامه‌های معروف ژنو را که در آنها استعمال هر نوع سلاح شیمیایی ممنوع اعلام شده است، اکیدا رعایت می‌کند. کشور ما کسانی را که برخلاف موافقتنامه‌های ژنو عمل می‌کنند، به شدت محکوم کرده و می‌طلبید آنها به کیفر اعمال خود برسند. چنانکه می‌دانید اتحاد شوروی، هنگامی که امپریالیستهای آمریکا در ویتنام جنگ پلیدی را به راه انداختند، جنایت آنان را به ویژه در موارد استفاده از مواد شیمیایی بی‌پروا فاش و برملا کرد. اکنون کشور ما، ریاکاری امپریالیستهای آمریکا را که علیه مردم افغانستان سلاح شیمیایی به کار می‌برد - جرمی

که ثابت شده - افشا می‌کند: این حقایق طی یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل به اطلاع عموم رسید.

این اواخر، کنستانتین چرنکو، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در نطق پیش از انتخاباتی خود، برخورد سازنده اتحاد شوروی نسبت به مسئله منع استعمال سلاح شیمیایی را قاطعانه مورد تأیید قرار داد. وی گفت:

"نجات بشریت با نفی کاربرد سلاح شیمیایی، وظیفه‌ای است بسیار مهم. سخن از منع کامل و همگانی استفاده از سلاح شیمیایی و تهیه و تولید این گونه سلاح و محو تمام ذخایر آن در میان است. ما طرفدار آنیم که نحوه اجرای موافقتنامه‌های مربوطه جداکنترل شود و تمام روند از بین بردن سلاح شیمیایی از آغاز تا پایان تحت نظارت قرار گیرد."

مفسر رادیو مسکو در پایان می‌نویسد: "چنین است نقطه نظر اتحاد شوروی درباره این مسئله. به این ترتیب آشکار می‌شود که دروغ‌پردازی‌های افتراآمیز ضد شوروی روزنامه ترکیه، "گوش" که خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران نیز آن را تکرار کرده است، چه ارزشی دارد."

تربییون نماز جمعه اعلام می‌کند، "اختلاف" عمیق و ریشه‌داری در تمامی ابعاد جامعه وجود دارد. "این در مسائل اقتصادی است" (کیهان، ۲۰ اسفند).

"مسائلی" که حزب توده ایران، از ابتدا مطرح ساخته بود و در برنامه و پیشنهادات خود، راه حل آنها را به سود مردم ارائه کرده بود.

آقای رفسنجانی، دامنه فراگیر این "اختلاف" را چنین ترسیم می‌کند: "... این اختلاف توی مراجع هست - توی شورای نگهبان... توی مجلس... توی کارخانه، نهادها و مردم هست... این اختلاف را نمی‌شود ریشه کن کرد... تا قیام قیامت این اختلافات وجود دارد."

اعتراف به واقعیتی که به منظور نادیده انگاشتن آن، سردمداران جمهوری اسلامی توطئه خونین "ریشه کردن" حزب توده ایران را به مرحله اجرا درآوردند و اکنون نیز اعضا و هوادارانش را به همین "جرم" محاکمه می‌کنند، به هرانگیزه و هدف که باشد، ترجمان مستقیم این حقیقت غیرقابل چشم پوشی است که حزب توده ایران، "ریشه کن کردنی" نیست، حضور حزب توده ایران در قلب، سخن و نظر، کار و پیکار، "کارگران"، "مردم"، "تحصیل‌کرده‌ها" و ... از آن پیوند ژرف و ناگسستنی‌ای حکایت دارد که این‌تیرباران‌های جنایت‌آمیز، زندانهای طویل‌مدت و به محاکمه کشیدن اعضا ساده و هواداران حزب و تلاش برای دور نگاه داشتن مردم از حزب توده ایران، تنها به استحکام هر چه بیشتر آن می‌انجامد.

ستم و اختناق مرز نمی شناسد!

بقیه از صفحه ۵

پیشنهادهای سازنده آن هنگامی جلوه آشکار به خود گرفت که دشمنان انقلاب، زمینه یورش به دستاوردهای انقلاب را تدارک دیدند و راه خیانت به منافع مردم را در پیش گرفتند؛ سرسخت‌ترین حریف آنان، حزب توده ایران بود. محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران می‌گوید:

" ایجاد تظاهرات و تحصن‌ها و ایجاد جو سازی‌ها و دامن زدن به مسائل سیاسی که در داخل کشور ما بود، همه از فعالیت‌های حزب توده در جهت تضعیف جمهوری اسلامی ناشی می‌شد" (اطلاعات، ۲۲ اردیبهشت).

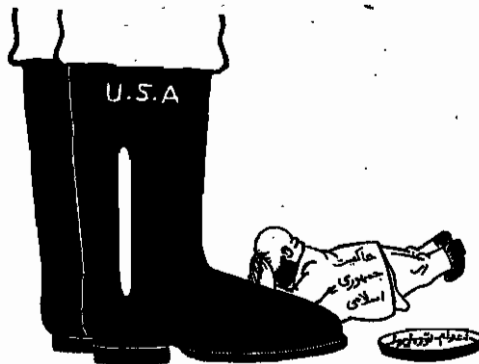
رئیس مجلس در نماز جمعه اعلام کرد: " تا وقتی که خطری جدی نبودند، با آنها مدارا شد و روزی که معلوم شد که برنامه‌ای تدوین کرده‌اند که برای ما و سرنوشت جنگ از هر جهت ضرر دارد، دیگر نمی‌توانستند بمانند" (آزادگان، ۲۴ اردیبهشت) موسوی تبریزی، دادستان (سابق) کل انقلاب، چرنام حزب توده ایران را اینگونه برمی‌شمرد: " اینها در پوشش تشکیل حزب و فعالیت سیاسی که جمهوری اسلامی به اینها داده بود، جاسوسی و توطئه می‌کردند. توطئه‌شان گاهی در کارخانجات مشهود بود. گاهی توطئه‌شان در تحریک مردم علیه مسئولین مشهود بود و گاهی برای بی‌اعتبار کردن مسئولین" (اطلاعات، ۲۰ بهمن ۶۱).

سردمداران جمهوری اسلامی، حزب توده ایران را به اتهام "دامن زدن به مسائل سیاسی"

" تحریک مردم علیه مسئولین"، "بی‌اعتبار کردن مسئولین"، ایجاد اختلاف بین سیاست‌گزاران جمهوری اسلامی که "در وحدت بی‌نظیری هستند" "مجرم" شناخت، اعضا و هواداران آن را دستگیر کرد، در شکنجه‌گاه‌ها به صلابه کشید، آنان از افسران و اعضا آن را به جوخه‌های اعدام سپرد و اکنون حتی هواداران حزب را به زندان‌های طویل‌مدت محکوم می‌کند، به این امید که "برنامه‌ای... که برای ما و سرنوشت جنگ از هر جهت ضرر دارد" برای همیشه "ریشه کن کند."!

اعتراف به اختلاف حل نشدنی توسط سران رژیم

ولی هنوز یک سال از این توطئه خونین گذشته است که "امام جمعه موقت تهران" از



استغفار!!

کارگری

عیدی دولت به سرمایه داران



پرداخت نمایند."

حاکمیت جمهوری اسلامی ظاهرا با گنجانیدن این ماده می‌کوشد و انمود کند در ازای "لیاقت و شایستگی" کارگران به آنان اضافه دستمزد تعلق خواهد گرفت. بدون شک این تنها بخش کوچکی از حقوق کارگران است که سالهاست به جیب سرمایه داران سرازیر می‌شود. اما نکته مهم اینست که حاکمیت جمهوری اسلامی با اتخاذ این روش برای پرداخت بخشی از حق مسلم کارگران، آن هم فقط به بخشی از کارگران، همان شیوه کثیف تفرقه افکنی بین کارگران را که در رژیم شاه معمول بود، اجرا می‌کند. مسلما کارگران به ماهیت این توطئه پی برده و آن را خنثی خواهند کرد.

استثمار بی حد و مرز

در بند ۵ این بخشنامه، "دانش آموزان و دانشجویان" از این بخشنامه مستثنی شده اند و "مزد ایام کار آن‌ها با توافق طرفین تعیین و پرداخت خواهد شد". به جرئت می‌توان گفت که در این جا نیز تفکر توکلی مبنی بر "تراشی طرفین" حاکم است و سرمایه داران و کارفرمایان را فرا می‌خواند تا سرمایه‌های سرگردان خود را برای استثمار این نیروی کار ارزان به کار اندازند. واقعیت آنست که این بند به کارفرمایان اجازه خواهد داد تا به بهانه استخدام دانشجو و دانش آموز، حتی بندهای اول این بخشنامه را نیز رعایت نکنند و نوجوانان و جوانان کارگر را به استثمار بی‌حد و مرز بکشانند.

بدین ترتیب در آستانه سال نو، حاکمیت با دادن این عیدی به سرمایه داران، سالی پر از فقر و محرومیت بیشتر به کارگران عرضه می‌کند.

مسلم کارگران زیر بار این بخشنامه "شاهشاهی" نخواهند رفت و مبارزه خود را برای دستیابی به حقوق حقه خویش گسترش خواهند داد.

آقای موسوی اردبیلی در نماز جمعه دیماه ۱۳۶۱ اعتراف کرد که پاکتر از شش، هفت هزار تومان در ماه نمی‌توان زندگی کرد". این صحبت یک سال پیش است. اما حاکمیت جمهوری اسلامی امروز نیز اکثریت کارگران را مجبور می‌کند با مزدی بسیار کمتر از این میزان زندگی کنند.

روی دیگر سکه چیست؟

در حالی که سردمداران جمهوری اسلامی از همه سو کارگران را به صبر و مدارا و تحمل بار جنگ و ... فرا می‌خوانند، جیب سرمایه داران روزبه روز پرتر می‌شود. در طول همین سالهایی که وضع زندگی کارگران روز به روز بدتر شده است، رشد نقدینگی سرمایه داران مردم افزایش یافته است. به طوری که اکنون همه مسئولین جمهوری اسلامی به وجود ۷۰۰۰ میلیارد ریال پول نقد در جیب بخش خصوصی اعتراف دارند.

این ۷۰۰۰ میلیارد ریال از کجا آمده است؟ غیر از این است که سهم همان ۵ میلیون کارگری است که می‌بایست مزدشان اکنون بیش از ۲ برابر ۵ سال پیش می‌شد ولی به جای آن به جیب سرمایه داران رفته است؟

این واقعیت را امروزه همه کارگران به خوبی درک می‌کنند. حاکمیت از کارگران صبر می‌خواهد تا بتواند جیب سرمایه داران را پرتر کند.

کاهش بیشتر قدرت خرید کارگران

در بند ۲ بخشنامه آمده است که "در سال ۱۳۶۲، روزانه مبلغ ۶۰ ریال به عنوان پایه (سنوات) ... به کارگران تعلق می‌گیرد که بایستی بر مزد آنان اضافه و پرداخت گردد". در این شورای عالی کار با یک شعبده بازی بازم حق کارگران را بیش از پیش پایمال کرده است. در سال‌های قبل، روال بر این بود که مزد کارگران بین ۴۰ تا ۱۰۰ ریال افزایش یابد. متوسط این افزایش در کارگاه‌های مختلف بیش از ۶۰ ریال بود. اکنون با این ترفند، در حقیقت شورای عالی مزد کارگران را نسبت به آنچه که روال سال قبل ایجاب می‌کرد، نیز کاهش داده است.

تفرقه افکنی بین کارگران

در بند ۲ بخشنامه آمده است: "کارفرمایان می‌توانند در صورت تشخیص، تا حداکثر به ۲۰ درصد از کل کارگران یک پایه (مبلغ ۶۰ ریال) تحت عنوان ترفیع پایه لیاقت و شایستگی به مزد روزانه هر یک از آنان اضافه

بخشنامه وزارت کار و امور اجتماعی در مورد نحوه پرداخت اضافه دستمزد کارگران در سال آینده، منتشر شد. کارگران از مدت‌ها قبل خواست خود را مبنی بر دریافت اضافه دستمزد بی‌گیرانه مطرح می‌کردند. انتشار این بخشنامه نشان داد دولت به جای در نظر گرفتن خواست و منافع کارگران عیدی بزرگی به سرمایه داران تقدیم کرده است.

این بخشنامه در شش بند و شش تبصره تنظیم شده است و شامل میزان حداقل دستمزد، اضافه دستمزد، پابست سنوات خدمت و اضافه دستمزد در چهار چوب طرح طبقه بندی مشاغل است. مطابق بند ۱، حداقل مزد روزانه کارگران ساده در حد میزان چهار سال پیش (۱۲۵۸) یعنی ۶۲۵ ریال تعیین شده است. به خوبی روشن است که این حداقل حقوق به هیچ وجه کفاف یک زندگی حداقل کارگران را نیز نمی‌دهد. میزان حداقل دستمزد تعیین شده حتی در سال ۵۸ نیز بسیار کمتر از میزانی بود که بتواند جوابگوی تامین یک زندگی حداقل برای یک خانواده کارگری باشد.

کارشناسان وزارت کار در اوایل سال ۱۳۵۸ اعلام کردند:

"ما حساب کرده ایم که ۷۱۱ ریال حداقل هزینه زندگی کارگر است. اما مبلغ ۵۰۰ ریال را برای تعیین و اعلام حداقل مزد پیشنهاد می‌کنیم" (مردم ۵۸/۲/۲۹).

در حالی که یک محاسبه واقعی در آن زمان، میزان مزد را در حدود روزی ۱۰۰۰ ریال برآورد می‌کرد. با توجه به نرخ تورم در سال ۵۸، مسلما میزان حداقل دستمزد در سال ۱۳۵۸ می‌باید حدود دو برابر رقم تعیین می‌شد که توسط شورای انقلاب تصویب گردید. به عبارت دیگر مبلغ ۶۲۵ ریال حتی چهار سال پیش نیز جوابگوی تامین یک زندگی حداقل نبود.

در سال ۵۸ بنا بر اعتراف روزنامه اطلاعات ۵۸/۱۱/۲۷:

"میزان افزایش قیمت‌ها نسبت به سال گذشته از ۲۰ تا ۲۰۰ درصد و در برخی موارد بیش از ۲۰۰ درصد بوده است."

ولی شورای عالی کار به رغم وجود این تورم سرسام آور، در سال ۶۰ هم میزان حداقل مزد را افزایش نداد. در سال‌های پس از آن نیز تورم با همان سرعت پر قیمت‌ها می‌افزود. به طوری که بنا به اظهار محجوب، مشاور کارگری نخست وزیر:

"کالاها ۲۰۰ تا ۲۰۰ درصد و حتی در بعضی موارد ۴۰۰ یا ۵۰۰ درصد اضافه قیمت داشته‌اند" (اطلاعات ۶۲/۱۲/۱۱).

کارگران ایران! در تشکلهای واقعی کارگری (سندیکاها و شوراهای) متشکل شوید

سازمان ملل حاکمیت سرکوبگر ج.ا. را محکوم می کند!

در هفته گذشته گزارشی دبیر کل سازمان ملل متحد به کمیسیون حقوق بشر این سازمان انتشار یافت. دبیر کل سازمان ملل در گزارش خود که مشتمل بر صفحات متعددی است، جنایات بی شمار حاکمیت جمهوری اسلامی را در رابطه با شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی و نقض حقوق بشر در ایران بر شمرده است.

در این گزارش توضیحات مختلف و فشارهایی که علیه نیروهای مترقی و ضدامپریالیست ایران از جمله حزب توده ایران اعمال می شود، بیان شده است. در مواد ۲۸ و ۲۵ این گزارش آمده است:

" ماده ۲۸ - در رابطه با محاکمه اعضای حزب توده (ایران)، برخی از ناظرین اظهار داشته اند:

" این محاکمات در ایران در مورد اعضای متعدد حزب توده در همان شرایط انجام می گیرد که در دادگاه های قبلی در مورد مخالفان مختلف و یا افرادی که فقط مظنون هستند، صورت گرفته است یعنی: پشت درهای بسته، بدون حضور وکلا، و ناظرین خارجی و در نتیجه (در شرایط) اختفای مطلق."

" ماده ۲۵ - حزب توده (ایران) در ۴ مه ۱۹۸۳ منحل اعلام شد و تعداد زیادی از پیروانش (اعضا و هواداران) دستگیر، زندانی، شکنجه و اعدام شدند. محاکمات این افراد، در تمام طول سال ۱۹۸۳، غالباً پشت درهای بسته بدون آن که روزنامه نگاران یا ناظرین اجازه حضور داشته باشند، ادامه داشت."

در این گزارش موادی نیز به نقض حقوق اقلیت ها و جنایات جمهوری اسلامی ایران در کردستان اختصاص داده شده است. از جمله در مواد ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ این گزارش آمده است:

" ماده ۲۶ - در مورد حقوق اقلیت ها، اطلاعات دریافت شده مبنی بر نقض حقوق مردم غیر نظامی کردستان است. دبیرخانه یک لیست از ۷۸ نفر ساکنین ۷ روستای کردستان - قره گل، قلب رضا خان (سارچنار)، سوزی، پیران این، خلیفیان، شاه قال مصطفی و گیشه دریافت کرده است که توسط نیروهای دولتی در ۲۶ ژانویه ۱۹۸۳، ۲۵ و ۲۸ مارس کشته شده اند. افراد فوق در سنین بین ۱۱ تا ۱۱۰ سال بودند."

" ماده ۲۷ - در گزارشی راجع به کردستان، فدراسیون بین المللی حقوق بشر شرایط

زندانی ها را در هفت زندان مهاباد (کردستان) توصیف می کند و ابراز می دارد که زندانیان در تمام این زندانها شکنجه شده اند."

" ماده ۲۸ - بنا به گفته فدراسیون، ۶۳ نفر در ماه اوت ۱۹۸۲ در زندانهای سقز و ارومیه، در کردستان ایران اعدام شدند. در میان آنها "لا اقل ۱۹ دختر، دیده می شوند که ۱۵ نفرشان قبلاً به سه تا ۱۰ سال زندان محکوم شده بودند."

دبیر کل سازمان ملل متحد در این گزارش، شمار اعدامهای زندانیان سیاسی در ایران را بیش از ۵۰۰۰ نفر برآورد می کند و از قول سازمان عفو بین المللی در رابطه با شکنجه زندانیان سیاسی مترقی و ضدامپریالیست ایران می افزاید:

" تقریباً اکثریت قریب به اتفاق زندانیان سیاسی شکنجه شده اند."

دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش خود خاطر نشان می کند:

" مسئله حقوق بشر و آزادی های اساسی در ایران همچنان موجب نگرانی جدی جامعه بین المللی است."

نوروز پیروز است!

بقیه از صفحه ۱
پرشور هر آن کس را که به خاطر مردم و انقلاب در تکاپو بوده، نشانه رفت.

مردم چنین سال سیاه و پر وحشتی را پشت سر گذاشتند. اما نه بی پیکارا آنان عوادل و زخم خورده، هر جا که حاکمیت زور "قدرت" خود را به نمایش می گذاشت و پایمال شدن و خیانت به منافع آنان را زیر سایه شوم سرنیزه می پوشاند، با تمام قامت می ایستادند و با اعتراض، تظاهرات، اعتصاب، تحصن و حتی مقاومت.

غیر قابل چشم پوشی خود را طلب می کردند. آنان زجر کشیده و مظلوم به بی آبی، بی برقی، کمبود نان، گرانی، ادامه جنگ بی سرانجام، باز پس دادن زمین به فئودال ها، پایین بودن سطح دستمزد، عزیزانی که از آغوشان ربوده اند و در سیاه چاله های پر شمار جمهوری اسلامی به بند کشیده اند... اعتراض کردند. آنان آگاهانه، شیوه مبارزه خود را در هر شرایطی، مناسب با آن برمیگزیدند و در عمل درجه کار آن روش ها را محکمی زدند.

این شیوه های مقابله در آستانه سال نود بی تشبثات رژیم برای محو و مسکوت گذاشتن سنت دیرپای مراسم "چهارشنبه سوری" با برگزاری هر چه گسترده تر این آئین، شکل ویژه ای به خود گرفت. در این شب، مردم شهر و روستا در مقیاس بی سابقه ای به کوچه و خیابان آمدند و با پرافرودختن آتش سرخ که نشانه پاکی، دور کردن شر و تاریکی، پیروزی نیکی، شکستن سرما و رمز ستاخیز زمین است، پاهم اندوه و رنجی که در قلب داشتند، به استقبال بهار



مردانی که به خاطر شکستن گل های سرخ در سپیده دمان آزادی، زنجیر شدند و سرانجام قلب پر عشق خود را چون گل سرخی تازه شکفته به خلق و آرمان خود هدیه کردند. سلام بر همه مبارزین و در پندانی که ظلمات دسمه های زندان، سبزی شورانگیز بهار را از چشمشان دور کرده است. سلام بر همه خانواده های داغ دیده ای که در شور و سرور و سرود، بهار را جشن می گیرند. سلام بر همه مبارزینی که نوروز را در قلب گلدان کلی هم حتی، به مخفیگاه های خود دعوت کرده اند و در سحرگاه این سال نو، با قلبی سرشار از امید و ایمان و توانی کارآمدتر از پیش، مبارزه ای بی امان را بی می گیرید! سلام بر شما.

رفتند. به ویژه در این شرایط سیاه و دشوار که حداقل جای خالی یک عزیز پر سر سفره "هفت سین" تقریباً هر خانواده ایرانی، قلبشان را به درد می آورد.

در کنار این اشک و خون و یاد، زمزمه دیگری هم در قلب و بر لبان آنان جاری است؛ زمزمه ای که میثاق است؛ با تمام شهدا و به زنجیر کشیده شدگان:

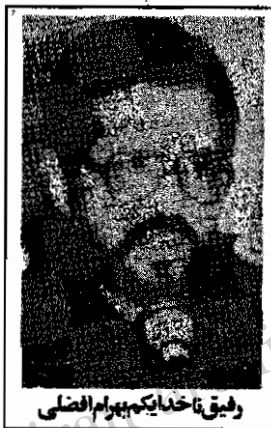
"یادتان تا ابد در قلب ماست و بی گیری راهتان، دینی که بر ما دارید. هیچ نیرویی ما را از ادای این دین باز نخواهد داشت. مطمئن باشید!"

سلام بر بهار، سلام بر نوروز، سلام بر آزاد

خاطراتی از رفیق شهیدنا خدا یکم بهرام افضلی

این مرد به هیچ چیز جز ایران فکر نمی کرد
همیشه افتخار می کردم که ایران چنین گلهایی دارد

در شماره ۲۱ بهمن ۶۲ نشریه ایرانشهر، نامه ای از یکی از خوانندگان این نشریه به چاپ رسیده است، که طی آن یکی از هم میهنان ما، خاطراتی را که از دوران همکاری با شهیدنا خدا یکم بهرام افضلی داشته است، نقل می کند. نوشته این بانوی هموطن ما که، چنانکه از متن نامه بر می آید، با نظرات حزب توده ایران آشنا نیست، اما به پیروی صادقانه از معتقدات میهن دوستانه و آزادیخواهانه خویش، واقعیتی را که خود شاهد بوده است، واحساسات واقعی مردم ما نسبت به جنایات حاکمیت ج.ا. را شرح داده است، گواه نمونه واری بر میهن دوستی و آزادیخواهی افسران توده ای است که تنها بجزم دفاع از انقلاب خلق به جوخه اعدام سپرده شدند. ننگ و نفرت بر خائفانسی که زندگی پرافتخار بهترین فرزندان خلق ایران را گسستند!



رفیق ناخدا یکم بهرام افضلی

روی کشتی کاری کرد وقتی که تهران آمد رییس دایره کارخانجات نیروی دریایی شد. همیشه افتخار می کردم که ایران چنین گل هایی دارد و احساس راحتی می کردم که آدم هایی مثل او سدی مستند جلوی دزدها، لاشخورهایی که به جیب خود منافع شخصی و انهدام مملکت چیزی نمی خواهند.

شاید باور نکنید که از ساعت ۷ صبح تا ۸ شب کار می کرد هیچ وقت به آنهایی که با او کار می کردن و درجه پایین تر از او داشتند توین نمی کرد و اگر پرونده ای را توی پایگانی می خوانست خودش می رفت می آورد واقعا مرد با سواد بود سالها در ایتالیا و ایران تحصیل کرده بود. به جرئت می توانیم بگوئیم از میلیونها پولی که زیر دستش بود کوچک ترین دزدی نکرد و واقعا وقتی او را اسیر دیدم در دست چند ملای بی سواد از دلم فریاد زدم گفتم خدایا او و جاسوسی، آنهم برای مملکتی که ۲۰ سال برایش صادقانه درگرم و سرما کوشش کرده ؟

... ولی چون من یکی از چهارم قهرمان را به خوبی می شناختم و شاید وجود ناژنین اش چندماه یا چند روز دیگر زیر دست ساواکی های سابق و پاسداران فعلی به خاک و خون بغلغد بنویسم تا در دفاع از او برخاسته باشم هر چند که آنقدر این طوفان

چند وقت پیش روزنامه کیهان هوایی را خانه یکی از دوستانم ورق می زدم، چون قابل خواندن نیست، فقط باید ورق زد، ناگهان چشم به نام آشنائی افتاد. ناخدا افضلی را بعنوان جاسوس روسیه محاکمه می کنند.

چون چندین سال است این موجود شریف را می شناختم به عکس خیره شدم. باورم نمی شد. خدایا این آدم همان افسر قدیمی است که می شناختم که حالا به این روز افتاده است..... با ناپاوری باز روزنامه را خواندم. ناگهان تمام خطوط روزنامه برنگ گلگون خون پاکش درآمد. دستم را به پوسته شب کشیدم و از او پرسیدم، آیا سیاهی تو همیشه با ما خواهد بود؟ پیش خودم فکر کردم کدام درست فکر می کردند؟ اون افسرهایی که با میلیون میلیون توی آمریکا و اروپا زندگی می کنند و هر شب تا صبح ... پایکوبی می کنند، و یا این وجودناژنینی که تا آخرین لحظه با حقوق کم نیروی دریائی ساخت و سرچایش ماند و جا خالی نکرد؟

تقریباً هشت سال بود او را می شناختم و در کنارش کار می کردم. نه این را از دهان من می شنوید، دلم می خواست از دیگر همکارانش نیز بپرسید. این مرد به هیچ چیز به جز ایران فکر نمی کرد سالها در پوشه جای بسیار بد آب و هوا

۲۹ اسفند
سال روز ملی شدن نفت

۲۲ سال پیش، روز ۲۹ اسفند سال ۱۳۲۰، قانون ملی شدن صنعت نفت ایران به تصویب مجلس شورای ملی رسید. ملی شدن صنعت نفت ایران، در نتیجه مبارزات فدائکارانه و قهرمانانه مردم ایران در راه تصاحب ثروت ملی خویش علیه امپریالیسم غارتگر انگلیس و شرکت نفت انگلیس و ایران امکان پذیر شد.

امپریالیست های انگلیسی و آمریکائی بر آن بودند که ایران موعده اعتبار قرار داد سال ۱۳۱۰ را که موجب آن شرکت نفت انگلیس و ایران امتیاز استخراج نفت را داشت، تمدید کند و از این طریق نفت ایران را همچنان به تاراج برد. امپریالیست ها علاوه بر زدوبند با مرتجعان وابسته به دربار پهلوی، به شیوه های امپریالیستی چون فشار دیپلماتیک شانتاژ و قدرت نمائی توسل می جستند.

دیوید معاون وزارت امور خارجه انگلیس و شپرد، سفیر انگلستان صریحا اعلامیه های تهدید آمیزی برای دولت مصدق صادر می کردند. سفیر آمریکا، یادداشتی به دولت مصدق تقدیم کرد. در این یادداشت گفته شده بود دولت آمریکا، قانون ملی شدن صنعت نفت ایران را نمی پذیرد و استیفای حقوق شرکت نفت انگلیس و ایران را لازم می داند.

هم زمان با عربده هایی که از واشنگتن و لندن شنیده می شد، ناوهای جنگی انگلیس و آمریکا به حوزه خلیج فارس اعزام شدند.

ولی زحمتکشان ایران یک دل و یک جان به دفاع از ثروت، استقلال و شرف ملی خود قد علم کردند. در بسیاری از شهرهای ایران تظاهرات و میتینگ های اعتراضی نسبت به زد و بند مقامات رژیم شاه با امپریالیستهای آمریکایی و انگلیسی برپا گردید. طبقه کارگر ایران و حزب آن، حزب توده ایران که به نحوی بی گیر از مصالح زحمتکشان دفاع می کرد، پیشاهنگ این مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران بود. امپریالیستهای آمریکا و انگلستان با تحریم خرید نفت ایران، و به مقابله با این پیروزی بزرگ مردم ایران برخاستند. سوداگران بزرگ نفت آمریکا و انگلستان جلسه مشاوره ای در واشنگتن تشکیل دادند و در باره اقدامات توطئه گرانه مشترک، جهت بازیابی مجدد منافع نامشروع خود در ایران که در نتیجه تصویب قانون ملی شدن نفت از دست داده بودند، به توافق رسیدند.

امپریالیست ها با کودتای خونین ۲۸ مرداد که مبتکر آن اولیای امور سازمان سیا آمریکا بودند، موفق شدند جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران را سرکوب کنند و دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون سازند. رژیم تروریستی که بعد از این کودتا روی کار آمد، در درجه اول حزب توده ایران را مورد بی کرد و تعقیب قرار داد.

شدید آلوده است که قدرت دفاع را از ما گرفته است و با تاسف می بینم که نهال های پاک آزادی کشورمان یکی بعد از دیگری به دست این طوفان مودی از بین می روند در حالی که ما با دستهای به هم گره شده پشت پنجره ناظران هستیم.

این نامه را به این انگیزه نوشتم که مردم ایران به خون نشسته ام باورشان نشود که اینها جاسوس بودند چون شما فقط اسامی قطار شده حسن، حسین، مرضیه غیره را می بینید که توی روزنامه با یک لقب کتیف که رژیم مغفورا سلامی به آنها نسبت داده ولی شاید نمی دانید که پشت هر اسم چه چهره های با سواد پاک، قهرمانی ایستاده. آنها را باید شناخت گذشته شان را دانست تا دید چقدر رژیم اسلامی حقیقت می گوید.

بقیه در صفحه ۱۶

عوام فریبی برای توجیه توسعه طلبی!

دخالت مستقیم نظامی امپریالیسم در منطقه خواهد شد. این واقعیات از روز هم روشنتر است اما سران حاکمیت جمهوری اسلامی می کوشند، آنها را نادیده بگیرند.

آقای رفسنجانی به منظور خاموش کردن صدای اعتراض مردم، در نماز جمعه فریاد می کشد ما نمی توانیم در اینجا متوقف شویم، زیرا هرگونه توقفی به معنی بازگشت و شکست است. او از جهتی راست می گوید: پس از اینکه حاکمیت اسلامی ایران از موقعیت های مناسب برای پایان دادن به جنگ استفاده نکرد و حل مسئله "صدام" را به خود خلق عراق واگذار ساخت و بالاخره این "رساله تاریخی" را برای خود قابل شد که به هر قیمت، انقلاب خود را به عراق صادر کند، اینک برای ج. ا. هر گونه گردن نهادن به یک صلح عادلانه، نشانه ورشکست است. به این جهت سران حاکمیت اصرار دارند از راه جنگ، حتی به بهای کشته شدن صدها هزار جوان و نوجوان دیگر ایرانی، "مجلس اعلای اسلامی عراق" را همراه با "پنجاه هزار سیر عراقی که تربیت شده اند" به بغداد صادر کنند.

اما در عرف بین المللی این طرز عمل، زیر هر نقابی که پنهان شود، جز توسعه طلبی عنوان دیگری ندارد. آقای رفسنجانی و دیگران که از عدم تحقق سریع نقشه های خود به خشم آمده اند، دیگر کشورهای منطقه را هم تهدید می کنند که دست از پشتیبانی صدام بردارند و مانند مردم ایران، خود را برای زندگی زیر سایه "عدل اسلامی" آماده نمایند. یعنی بدون مقاومت، تسلیم کسانی شوند که فردا بساط تعزیر و شلاق و شکنجه، توهمین و تحقیر زنان، پایمال کردن حقوق کارگران و دهقانان و محو دانش، فرهنگ و هنر را در آنجا برپا خواهند کرد و امثال آقای لاجوردی را برای تشکیل اردوگاه های مرگ که "ندامتگاه" نامیده می شود به آنجا خواهند فرستاد.

جالب توجه اینکه سران حاکمیت که خود احساس می کنند دلایلشان برای قانع کردن مردم بسیار ضعیف است، از ترفند دیگری سود جستند و بی دردی روی "امداد غیبی" تکیه می کنند. آقایان مدعیند که نقشه های توسعه طلبانه شان به قدری "اسلامی" و "خدایسندانه" است که حتی حضرات خضر و الیاس و امام غایب هم به دستور الله در جبهه های نبرد حضور دارند و به "رزمندگان اسلام" کمک می کنند! روز جمعه گذشته، آقای رفسنجانی در خطبه های نماز خود بارها روی "امدادهای غیبی" تکیه کرد. به نظر می رسد رهنمود تکیه بر "الطاف الیه" و "امدادهای غیبی" از بالا آمده و تنها آقای رفسنجانی و آقای خامنه ای نیستند که با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی مردم و توسل به "امداد غیبی" می کوشند مردم را بفریبند تا برای

جنگ ایران و عراق وارد مرحله بسیار خطرناکی برای دو خلق برادر و همسایه و دیگر خلق های منطقه شده است. جنگی که حساب های غلط صدام حسین برای بهره برداری از ضعف نظامی ایران پس از انقلاب، با تشویق امپریالیسم، موجب شعله ور شدن آتش آن گردید. اینک بر اثر تلاش های توسعه طلبانه ارتجاع ایران برای توسعه "قلمرو حکومت الله" به خاک عراق، به مرحله جدیدی پا گذاشته و هر روز هزاران جوان ایرانی را به کام مرگ فرومی کشد. شهرها و روستاهای ایران و عراق را ویران می کند و ضربات کشنده ای بر اقتصاد ضعیف هر دو کشور وارد می آورد. از هنگامی که صدام حسین بر اثر مقاومت دلیرانه مردم ایران در برابر تجاوز خارجی به غیر قابل تحقق بودن آرزوهای خود پی برد و حاضر شد به خواستهای قانونی ما گردن نهد، هیچ گونه دلیل موجهی برای ادامه جنگ بی معنی برادر کشی میان دو ملت وجود نداشته است. اما این روزها سران رژیم برای توجیه لزوم ادامه جنگ، دلیل می تراشند و در هر فرصتی توجیحات عوام فریبانه خود را در مهار کردن خواست های بر حق مردم، مبنی بر خاتمه دادن به این جنگ بی سرانجام به کار می گیرند.

بویژه آقایان رئیس جمهور و رئیس مجلس، پیش از دیگران برای توجیه ادامه جنگ "دلیل" در چننه دارند! هسته اصلی استدلال های آقایان این است که گویا تا صدام و رژیم بعثی عراق با یک حکومت اسلامی، مطابق استاندارد ایران جا نشین نشود، صلح و امنیت به منطقه باز نخواهد گشت. کوئی نظام های وابسته به امپریالیسم از هنگامی بر کشورهای عربی و غیر عربی خاور نزدیک و میان مسلط شده اند که رژیم صدام در عراق روی کار آمده است. در واقع برداشت سران حاکمیت از "صلح و امنیت" همان برداشتی است که در ایران دوران قاجار وجود داشت و رژیم انگلیسی فیصل - نوری سعید در عراق برقرار کرده بود. "صلحی" که انگلیس در سایه آن خود را در "امنیت" کامل احساس می کرد. اکنون این واقعیت که امپریالیسم جهانی و نو استعمار، صلح و امنیت خلق های منطقه خاور نزدیک و میان و دیگر نقاط زمین را به خطر انداخته انکار ناپذیر است، حتی رژیم صهیونیستی اسرائیل که ده ها سال است در منطقه آتش افروزی می کند قائم و لذات نیست و به مثابه افزاری در دست امپریالیسم جهانی به کار گرفته می شود. تمامی رژیم های عربی و غیر عربی منطقه نیز از این قاعده مستثنی نیستند و در مقام گوش به فرمانان امپریالیسم بین المللی خدمت می کنند. پریروز شاه ایران به اشاره امپریالیسم به ظفار نیرو فرستاد و ملک قاپوس را نجات داد. دیروز صدام به ایران پس از انقلاب هجوم آورد و فردا سلطان عمان، دلال

نوشیدن "شریت شهادت" کمتر تردید به خود راه دهند. آنان چنین وانمود می کنند که گویا، این روزها در همه جا "امداد غیبی" به کمک "ایران اسلامی" آمده است و حتی در کشتن الله قلی خان جهانگیری هم "امداد غیبی" نقش اساسی داشته است.

سیف اللهی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه ۲، در ارتباط با کشته شدن الله قلی خان جهانگیری، اظهار داشت: "در تاریخ ۲۵ بهمن ماه، چند مرحله عملیات اجرا شد. بدین صورت که سپاه منطقه ۲ در اصفهان با طرح ریزی و امدادهای غیبی و لطف خداوندی و پشتیبانی خاص حضرت بقیه الله الاعظم (عج)، عملیات به مرحله اجرا درآمد."

لازم به یادآوری است آقای لاجوردی معروف که پیش از او صحبت کرد، دو بار روی "امداد غیبی" تکیه نمود. وقتی به نوجوانان بی تجربه تلقین می شود که می توانند بی محابا به دشمن حمله کنند، زیرا "امداد غیبی" آنان را از چشم دشمن پنهان نگاه می دارد، خود را به آب و آتش می زنند و کشته می شوند. این همه نوجوانان شهید ایرانی که روی آبهای باتلاقی شناور بودند و تلویزیون های غرب، کالبد بی جان شان را نشان داد! کسانی هستند که به امید "امداد غیبی" به مسلخ رفته اند. در همین حمله به پایگاه الله قلی خان هم که "یک مارکیست ضد خدا و ضد بشر و معجون از شرارت و شقاوت و کفر بود، هم منافق هم کمونیست هم خان و هم شرور بود" با وجود پشتیبانی خاص حضرت بقیه الله الاعظم (عج) "باز هم چندتن از پاسداران به فیض شهادت" نائل آمده اند. این چگونه "امداد غیبی" است که علی رغم دادن هزاران کشته و زخمی در جبهه و پشت جبهه باز هم کاری از پیش نمی برد!

اما این واقعیات از چشم مردم ما دور نیست. آنان دروغ بافی های مغرضانه سران ج. ا. را باور نمی کنند و دیگر حاضر نیستند جوانان خود را برای انتقام کشی های شخصی بعضی سران حاکمیت از رفتار صدام با آنان (قبل از انقلاب) و یا صدور شکنجه و قصاص و تعزیر به کشورهای همسایه فدا کنند.

خلق های کشورهای خاورمیانه و نزدیک، تنها هنگامی می توانند با موفقیت در برابر هجوم امپریالیسم و نو استعمار بایستند و از استقلال و آزادی خود دفاع کنند که دست به دست بدهند و از تمامی امکانات مادی و نظامی خویش استفاده نمایند. این جنگ بی سرانجام همه منابع اقتصادی و انسانی دو خلق همسایه را به نابودی می کشاند و تنها به سود دشمنان خلق های ما، امپریالیسم بین المللی و صهیونیسم دستیار اوست. هیچ گونه عوام فریبی، حتی با پوش "اسلامی"، نمی تواند این واقعیت دردناک و تلخ را پنهان کند.

شوروی ستیزی و توده‌های ستیزی...

بقیه از صفحه ۱

سخنانی که آقای رفسنجانی در دیدار با وزیر امور خارجه این کشور بیان کرده است، از جهات خاصی جالب توجه است!

او به مثابه یکی از بلندپایه ترین سخنگویان رژیم جمهوری اسلامی - رژیمی که پا جای پای رژیم شاه گذاشته است - از طریق وزیر امور خارجه دولت آمریکایی ترکیه و در قالبی دیپلماتیک، اوج تلاش حاکمیت جمهوری اسلامی جهت به دست آوردن دل امپریالیسم آمریکا و جلب پشتیبانی آن رابه نمایش می‌گذارد. آقای رفسنجانی می‌گوید:

"مردم هر دو کشور مسلمانند و در نتیجه شرایط مشابهی در منطقه دارند و همین طور خطرات واحدی هر دو کشور را تهدید می‌کنند" (جمهوری اسلامی ۲۰ اسفند).

او در میان این خطر واحد که خلق‌های هر دو کشور و سراسر منطقه و جهان را تهدید می‌کند، به سراغ امپریالیسم آمریکا نمی‌رود. بلکه مانند سردمداران نظام ستمشاهی، "خطر" موهوم شوروی را به جای خطر واقعی آمریکا می‌نشانند. رفسنجانی همچون یک "شوروی ستیز" حرفه‌ای در ادامه سخنان خود اضافه می‌کند: "در همین شرایط هم اگر صدام را به حال - خودش واگذاریم تهدید بزرگی برای آزادی در منطقه خواهد بود. او... مجری اهداف شوروی خواهد بود" (همانجا).

سردمداران جمهوری اسلامی که در برابر عملیات تحریرک آمیز رژیم‌ها و آمریکا در خلیج فارس و شلیک ناوگان آمریکا به هواپیمای ایران، سکوت پر معنایی پیشه کرده‌اند، در بوق و کرنای "ضد شوروی" و ضد کمونیستی می‌دمند.

ولی آقای رفسنجانی خوب می‌داند که رژیم عراق نه تنها مجری به اصطلاح "اهداف" شوروی نیست، بلکه با رژیم جمهوری اسلامی برای جلب پشتیبانی امپریالیست‌ها و به ویژه امپریالیسم آمریکا نیز به رقابت برخاسته است.

آقای رفسنجانی خوب می‌داند این رژیم عراق نیست که "تهدید بزرگی برای آزادی منطقه است" بلکه حضور نظامی گسترده امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس و دخالت آن در امور داخلی کشورهای منطقه، منشأ بزرگترین خطرات و تهدیدات برای آزادی منطقه است. آقای رفسنجانی با علم کامل به حقایق بالا و با تحریف آنها، در قالب به اصطلاح دیپلماتیک بخشی از بهایی را که جمهوری اسلامی ایران حاضر است در معامله سیاسی با امپریالیسم آمریکا بپردازد، عرضه می‌کند. او می‌گوید: "در سایه حل مسئله عراق، مسئله افغانستان نیز قابل حل است. اگر این مسئله حل نشود در افغانستان هم مشکلات قابل حل نیستند. هم اکنون دو مشکل منطقه افغانستان و حزب بعث عراق است."

سران جمهوری اسلامی بارها و به اشکال گوناگون تمایل خود را برای تشکیل این پیمان همکاریهای اقتصادی - سیاسی - نظامی با ارتجاع دست نشانده امپریالیسم بیان کرده‌اند. هدف سیاسی - نظامی این پیمان نیز از چندی پیش کاملاً روشن شده است: دور کردن به اصطلاح "خطر" کمونیسم، ایجاد دیواری نفوذ ناپذیر در مقابل به اصطلاح نفوذ شوروی و در تحلیل نهائی حفظ منافع امپریالیسم و ارتجاع منطقه.

جالب توجه آن است که آقای رفسنجانی این سخنان را در روزهایی به زبان می‌آورد که مقارن با پنجمین سالگرد انحلال پیمان امپریالیستی و تجاوزکارانه سترو - به دنبال پیروزی انقلاب بهم - است.

در واقع با چرخش هیئت حاکمه جمهوری اسلامی به راست و خیانت به اهداف انقلاب و با نزدیکی هر چه بیشتر جمهوری اسلامی به امپریالیسم، "آنتی کمونیسم" روز به روز بیشتر به سیاست دولتی رژیم تبدیل می‌شود. سیاستی که به شهادت تاریخ همه خلق‌های تحت ستم، ابزار ایدئولوژیک و سیاسی اصلی برای تأمین نفوذ هر چه بیشتر امپریالیسم و تقویت مواضع سیاسی - نظامی و نو استعماری آن و تثبیت و تحکیم وابستگی خلق‌های کشورهای در حال رشد به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. مردم ما نیز طی ده سال مبارزه برای آزادی ملی و استقلال راستین، بارها این واقعیت را به تجربه عینی آزموده‌اند.

در دوران های نکتت بار سلطنت رضاخان و پسرش "آنتی کمونیسم" با شدتی روز افزون و به اشکال گوناگون پیاده شد و هر بار به شکست قطعی عاملین مزدور آن انجامید.

در جریان سالهای پس از پیروزی انقلاب بهم نیز شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی همواره وجه مشترک سیاست همه نیروهای ضدانقلابی و سازشکار برای زمینه سازی سرکوب یا مسخ انقلاب بوده است.

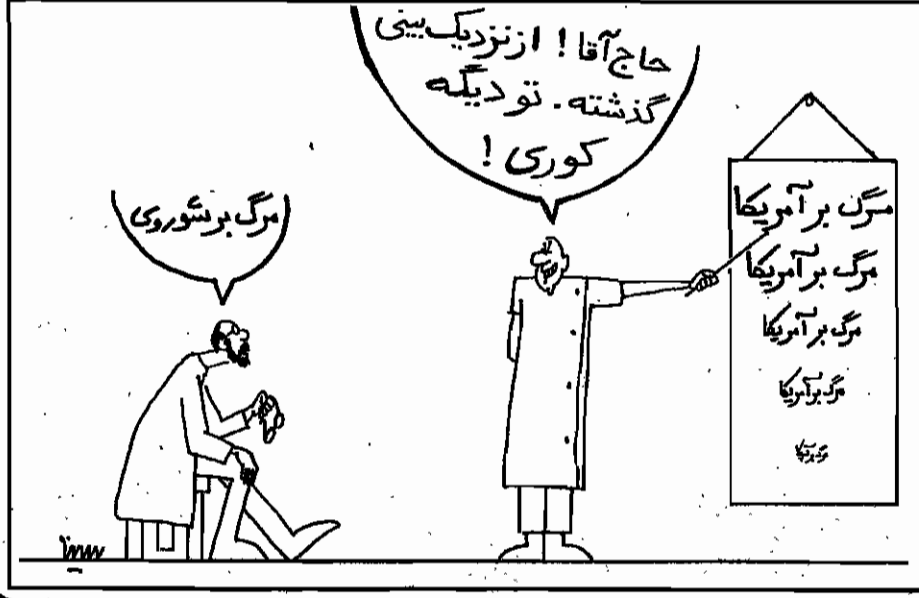
سرنوشت کمونیسم ستیزان جدید نیز بهتر از سرنوشت اسلاف آنان نخواهد بود...

در این سخنان آقای رفسنجانی علاوه بر پرده پوشی مجدد خطر جدی امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا در منطقه، پیام رمزی نیز برای این جنایتکاران مخابره می‌شود، پیام رمزی با این مضمون و محتوی:

در قبال پشتیبانی امپریالیسم آمریکا از ایران در جنگ توسعه طلبانه با عراق، جمهوری اسلامی آمادگی دارد که برای حفظ منافع امپریالیسم در جنگ اعلام نشده علیه افغانستان در مقیاس و ابعادی به مراتب گسترده تر و وسیع تر از امروز شرکت کند. او در ادامه سخنان خود ارتجاع منطقه را به اتحاد حول کارپایه "کمونیسم ستیزی"، "شوروی ستیزی"، این حربه قدیمی و زنگ زده امپریالیسم وار تجاع، فراخوانده، می‌گوید: "اگر این دو مشکل حل شود، کشورهای عربی (بخوان ارتجاع عرب) و ما و شما و پاکستان، می‌توانیم همکاری‌های سازنده تری را برای منطقه داشته باشیم. همچنین حسن دیگر آن این است که اگر یک حکومت اسلامی در عراق به وجود بیاید، خطر کمونیسم در منطقه دور خواهد شد"

تدارک تشکیل دوباره پیمان امپریالیستی ستودر سالگرد انحلال آن

تلاش آقای رفسنجانی برای اینکه با روشنی و صراحت بیشتر و بدون هرگونه ابهامی نقطه نظرات ارتجاع حاکم بر ایران را بیان کند، خود در شرایط کنونی، اهمیت سیاسی ویژه‌ای دارد. و الحق که او در این تلاش خود نیز موفق بوده است - او تصریح می‌کند ایران حاضر است با ارتجاع عرب، پاکستان و ترکیه وارد "همکاری سازنده" (بخوان همکاری‌های منطقه‌ای سیاسی - اقتصادی و سرانجام نظامی) شود. پایه اقتصادی این پیمان، هم اینک با احیای پیمان عمران منطقه‌ای - به ابتکار سران جمهوری اسلامی - فراهم آمده است.



در هفته ای که گذشت:

واردات کفن برای کشته شدگان جنگ

در روزهای اخیر، اخبار تلفات بی‌سایه ایران در جنگ با عراق موج گسترده نارضایتی در میان مردمی که پایان این جنگ بوسه طلبانه را می‌طلبند برانگیخته است.

بر اثر اهداف شوونیستی رهبران جمهوری اسلامی ایران تعداد بی‌شماری از مردم زحمتکش ما، قربانی شده‌اند. منابع مختلف، رق کشتگان و مجروحین ماجراجویی اخیر را تا ص هزار نفر تخمین می‌زنند. سران جمهوری اسلامی تلاش دارند این واقعیات تلخ را از مردم پنهان کنند. اما شواهد مختلف افشاگر ابعاد، وحشتناک فاجعه است.

اخیرا در هلستیک اعلام شد که مرد و کشور ایران و عراق سفارش خرید کفن از فنلاند را چند برابر کرده‌اند.

گزارش دیگری حاکی است، ایران سفارش پارچه کفن را به یک کارخانه ترکیه را نیز به میزان ۴ برابر افزوده است. به راستی اگر آمار کشته شدگان ایران در حلات اخیر از چند نفر تجاوز نمی‌کند، سران جمهوری اسلامی این کفن‌ها را برای که می‌خواهند؟

ببگرد حاشیه نشینان تهران!

معضل مسکن و یافتن آلتنگ یا سریناهی برای گذران زندگی، یکی از مسائلی است که هر روز زحمتکشان ما با آن دست به گریبانند.

پس از تصویب لایحه ارتجاعی مالک و مستاجر که چیزی جز ماده واحده‌ای در تأیید و تصویب مجدد قانون زمان طاغوت مصوب شهریور ۵۶ نیست، اینک مسئولان جمهوری اسلامی با یک اقدام دیگر که مهر و نشان سالیهای پایانی حکومت خفقان و استبداد شاهنشاهی را به همراه دارد، گامی دیگر علیه زحمتکشان برداشتند.

حسن طاهری استاندار تهران که به عنوان رئیس مسئول جمهوری اسلامی از حل یا حتی تخفیف بخشیدن به این مسئله حاد سر باز زده است. به مثابه جانشین خلف استانداران رژیم شاه اعلام کرد:

" کسانی که بدون مجوز و خارج از ضوابط در حاشیه شهرهای استان تهران اقدام به خانه سازی کرده. و یا به طور غیرقانونی از آب و برق استفاده نمایند چه در گذشته و حال و چه در آینده، چنانچه رفع تخلف نکنند، مورد پیگرد قرار خواهند گرفت."

لازم به یادآوری است که حاشیه نشینان استان تهران هیچکس جز زحمتکشانی که توانایی پرداخت اجاره بها در شهر تهران را نداشته و یا مهاجرین روستایی‌ای که با ادامه سیاست فاجعه آمیز حاکمیت جمهوری اسلامی

بقیه در صفحه ۱۳

گام دیگری در راه واگذاری صنایع ملی شده به سرمایه داران

بخش خصوصی اعلام می‌کند.

" همانطور که همگان آگاه هستند، کارخانجات بنیاد، ارثیه‌ای به جا مانده از افراد وابسته و طاغوتی است. اکثر این واحدها در بدو تحویل به بنیاد مستضعفان، بدهی‌های کلانی به همراه داشتند که ام سوددهی‌های بنیاد، صرف پرداخت این بدهی‌ها شده است."

سرپرست بخش صنایع بنیاد مستضعفان در این قسمت از سخنان خود، حتی بر باز پرداخت بدهی‌های این زالوصفتان از جیب تپه مردم زحمتکش از طریق بانکها و بینه‌های اجتماعی تأکید کرده، می‌گوید: " حدود ۸ میلیارد ریال از این بدهی‌ها تا پایان سال ۶۳ پرداخت می‌شود و برای مبلغ باقی مانده نیز توافق‌هایی با بانکها و طلبکارهای متفرقه انجام شد که به تدریج این بدهی‌ها پرداخت شود" (اطلاعات، اسفند).

ظاهرا پرداخت بدهی‌های واحدهای اقتصادی متعلق به بنیاد، یکی دیگر از اقدامات مهم برای جلب اعتماد مستکبران، برای دعوت آنان به تصاحب اموال مستضعفان است.

در روزهای گذشته، اتخاذ تصمیمات و مستگیری نوسازی پرشتاب نظام سرمایه داری و بازگرداندن اموال مصادره شده به بخش خصوصی همچنان ادامه داشت. سرپرست بخش صنایع بنیاد مستضعفان، طی یک گفتگوی اختصاصی با اطلاعات به وضعیت کنونی واحدهای صنعتی بنیاد اشاره کرده و گفت:

جمع کارخانجات تحت پوشش این بخش، بالغ بر ۱۲۰ شرکت بزرگ صنعتی است که از نظر تنوع صنعت در کشور در صدالبالی را به خود اختصاص می‌دهد."

سرپرست بنیاد، یک بار دیگر از تصمیم حاکمیت جمهوری اسلامی مبنی بر واگذاری صنایع تحت سرپرستی بنیاد مستضعفان به سرمایه داران سخن می‌گوید:

همان طرز که می‌دانید سرمایه‌های بنیاد، حالتی سرگردان و پلاتکلیف دارد که با هماهنگی و همکاری نسبت به ایجاد صنایعی که اعتماد واحدهای خصوصی را هم جلب می‌کند، سرمایه‌ها را به مشارکت دعوت خواهیم کرد."

و این بار تصمیمات تازه‌ای برای جلب اعتماد

سیاستهای ضدکارگری رژیم و اعتراضات کارگران

خود به " وجود برخی نارسائی‌ها" در این بخشنامه اعتراف کردند و خواهان تجدید نظر در آن شدند.

حاکمیت جمهوری اسلامی که از اوج گیری این اعتراضات نگران شده است می‌کوشد با گسیل افراد ظاهرالصلاح به کارخانه‌ها، کارگران را به حفظ آرامش دعوت کند و به آنها وعده سرخرمن بدهد.

بازدید نمایندگان جمعی جمهوری اسلامی از جمله حسین کمالی، عضو شورای مرکزی خانه کارگر و مسئول کارگری حزب جمهوری اسلامی از کارخانجات مختلف غرب تهران (ایران خودرو و...) در پی این اعتراضات گسترده و با هدف ساکت کردن کارگران، صورت گرفته است.

در این هفته نمایندگان کارخانه ارج نیز، به منظور طرح نظرات و اعتراضات کارگران این کارخانه با نخست وزیر ملاقات کردند و پیرامون مسائل و مشکلات کارگران با وی به گفتگو پرداختند.

تبرید طبقاتی اوج می‌گیرد. کارگران در اعتراض به سیاست‌های ضدکارگری رژیم، کارخانجات را به صحنه اعتراضات خود تبدیل کرده‌اند. کارگران علی‌رغم توطئه‌های گوناگون از سرکوب خشن گرفته تا وعده‌های سرخرمن مسئولین جمهوری اسلامی، همچنان قاطعانه ایستاده‌اند و حق خود را طلب می‌کنند.

پس از انتشار پیش‌نویس "جدید" قانون کار، موج اعتراض کارگران کارخانه‌های تهران، اصفهان، شیراز، تبریز، کرمان، اهواز و همدان و سایر شهرهای کارگری علیه محتوای ضدکارگری آن آغاز شد.

بخشنامه اخیر وزارت کار پیرامون نحوه محاسبه و پرداخت اضافه دستمزد و تثبیت میزان حداقل دستمزد که در هفته گذشته صادر شد، برداشته این اعتراضات افزود.

کارگران صدور این بخشنامه را در شرایط وجود تورم سرسام آور فعلی یک اقدام وقیحانه ضدکارگری شمرده و خواهان تجدید نظر در آن شده‌اند. این اعتراضات چنان ابعادی یافت که مسئولین خانه کارگر، ضمن نشست ماهانه

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

گفتگوهای سیاسی میان کشورهای جنوب آفریقا

حل اختلافات از راه مذاکره بودند و اکنون که پشت میز گفتگو نشسته‌اند، به معنی عقب نشینی از مواضع پیشین نیست.

نماینده آنکولا در لوساکا تاکید کرده قرارداد وقتی می‌تواند اجرا شود که آفریقای جنوبی به عملیات تجاوزی علیه آنکولا پایان دهد، سربازان خود را از جنوب آنکولا خارج کند و به قطعنامه ۲۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد در

مورد نامیبیا احترام بگذارد و بالاخره پشتیبانی سیاسی و نظامی از رمازان "اوپیتا" از سوی ایالات متحده و آفریقای جنوبی خاتمه پذیرد. طی این گفتگوها تاکید شد که آنکولا از

مبارزه خلق نامیبیا، زیرمهری سوابق برای استقلال و آزادی پشتیبانی می‌کند.

ژواکیم شیسانو، وزیر امور خارجه موزامبیک از جانب خود در روزنامه "نوتیسایش" نوشت

"موزامبیک همچنان از کنگره ملی آفریقا"

در بیکار علیه جدا سازی نژادی پشتیبانی می‌کند."

او آنچه گفته شد روشن می‌شود که هدف آنکولا و موزامبیک از این گفتگوها، دستیابی به "صلح به هر قیمت" نیست، بلکه آن را وسیله‌ای در جهت تکمیل وضع در جنوب آفریقا محسوب می‌دارند. صلحی که بدون آن توسعه مستقل کشورهایشان ممکن نیست.

روشن است که برای تحقق این هدف، آفریقای جنوبی باید تعهدات خود را رعایت کند، چیزی که بسیاری از نظران سیاسی در آن شک دارند.

روزنامه "دیلی تلگراف" چاپ لندن می‌نویسد:

"سرعتی که با آن جمهوری آفریقای جنوبی نقش خود را عوض کرد و از متجاوز به "هوادار صلح و ثبات" بدل شد، حتی وقیح‌ترین دیپلمات‌ها را هم به حیرت انداخته است. گفتگوهای "لوساکا" و "مایوتو"، عنصر جدید

و قابل ملاحظه‌ای در ایجاد فضای سالم سیاسی در جنوب آفریقا است. ولی به سختی می‌توان باور کرد تا هنگامی که نژاد پرستی و جداسازی نژادی در جمهوری آفریقای جنوبی حاکم باشد و تا وقتی که این رژیم با پشتیبانی و تحریک

امپریالیسم جهانی و در درجه اول امپریالیسم آمریکا، علیه دگرگونی‌های مترقی در کشورهای مستقل آفریقا و جنبش‌های رهایی بخش ملی در این قاره دست به اقدامات نظامی بزند، بتوان

به صلح و همزیستی دست یافت. "صلح و جداسازی نژادی یکدیگر را نفی می‌کنند"، چنین است محتوی اعلامیه دفتر "کنگره ملی آفریقا" در لوساکا. در این اعلامیه گفته می‌شود

که میهن پرستان آفریقای جنوبی فریب مآذورهای نژاد پرستان را نخواهند خورد و مبارزه برای استقلال کامل و آزادی را ادامه خواهند داد.

حال افزایش است و این باعث ترس و نگرانی در هیئت حاکمه می‌شود. تلاش در راستای رهایی از جنگ روانی با همسایگان برای متمرکز کردن تمام قوا در جهت مبارزه با "دشمن داخلی"، یکی از انگیزه‌های اصلی است. از این گذشته، جنگ به قیمت جان بسیاری از سربازان و هزینه‌های سنگین تمام می‌شود که باری کران بر اقتصاد آفریقای جنوبی است.

راست است که آنکولا و موزامبیک نیز بر اثر تجاوزهای دائمی آفریقای جنوبی و ویرانگریهای متجاوزه در وضع دشوار اقتصادی قرار دارند و برای تحکیم پایه‌های اقتصاد خود و انجام دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی، به صلح نیاز دارند. اما این بدان معنا نیست که آفریقای جنوبی، آنها را به زانو آورده بوده است و بدین جهت آن طور که مطبوعات غربی می‌نویسند مجبور به مذاکره شده‌اند. هم آنکولا و هم موزامبیک، از هنگام کسب استقلال، هوادار

وی آن گاه، بغض خود را علیه روستائیان مهاجر به چانداری از "تروزیست‌های اقتصادی" که آنان را "کاسب" می‌نامد، خالی کرد و گفت:

"از طرف دیگر کاسب‌های متدین و متعهد نیز مایل نیستند که پس از ۲۰ یا ۲۰ سال کاسبی در یک چهاردیواری مغازه ببینند، یک نفر از روستاهای (۱) دوردست آمده و با شروع به کار دست فروشی، اصالت کسب آنها را از بین ببرد..."

سرانجام آقای شهردار برای آن که خللی به کار "کاسب‌های متدین و متعهد" وارد نگردد و سدی در مقابل کسب سود بیشتر آنها به وجود نیاید، اعلام می‌کند:

"بنابر این موظف هستیم که برای جلوگیری از فسادهای اجتماعی و اقتصادی با سد معبر برخورد قاطع داشته باشیم و تا به حال داشتیم و آن را ادامه خواهیم داد" (کیهان، ۱۰ اسفند ۶۲).

تبلیغ سازش طبقاتی در دور رژیم

امیر عباس هویدا:

"خوشبختانه ما در ایران نه جنگ طبقاتی داریم و نه به آن معتقد هستیم" (سخنرانی در سومین کنفرانس ملی کار، ۱۳۵۰).

حجت الاسلام علی‌خامنه‌ای: "جنگ طبقاتی و خشم طبقه پرولتاریا دروغ‌هایی است که کذب آن در تجربه ثابت شده است..."

کیهان ۱۳ اردیبهشت ۶۲

در هفته‌های گذشته با آغاز گفتگوهای مستقیم میان آنکولا و موزامبیک او یکسو و جمهوری نژاد پرست آفریقای جنوبی از سوی دیگر، توجه محافل جهانی به این منطقه جلب شد. نمایندگان آنکولا، آمریکا و آفریقای جنوبی با یکدیگر دیدار کردند. در این دیدار، مسئله دور کردن ارتش در جنوب آفریقا مطرح شد. شرکت کنندگان در این گفتگو توافق کردند واحدهای ارتش آفریقای جنوبی که هنوز جنوب آنکولا را در اشغال خود دارند، آنجا را ترک کنند. در موزامبیک، گفتگوها پیرامون عادی کردن مناسبات میان دو کشور بود.

در واقع دگرگونی در رفتار رژیم پرتوریا، به هیچ وجه داوطلبانه نیست، بلکه یک سلسه مسائل حکومت این کشور — سور راه این کار واداشته است. این دولت نژاد پرست، اینک با مشکلات جدی روبروست: مقاومت میهن پرستان "کنگره ملی آفریقا" پیوسته در

در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

مجبور نبه نقل مکان به شهرها شده‌اند، نیستند. استاندار تهران با تهدید این حاشیه نشینان به خرابی خانه‌های آنها اخطار کرد که:

"در صورت عدم رفع تخلف، از سوی گروه‌های ویژه که در اطراف شهرها در حال گشت زنی می‌باشند، طبق قانون و ضوابط شدیداً مورد پیگرد قرار خواهند گرفت."

مسئولان جمهوری اسلامی نیز که برای ادامه حکومت ننگین خود چاره‌ای جز تکیه به زور و اعمال وحشیانه (یعنی ابزاری که محمدرضا شاه بیشتر آن را به کار گرفته بود) نمی‌بینند، باید بدانند مردم جایگاه و سرنوشت نهایی چنین حکومت‌هایی را از پیش تعیین کرده‌اند.

رفع سد معبر یا رفع سدها در راه نجات سرمایه‌داری؟

در روزهای گذشته شهردار تهران در زمینه جلوگیری از دست فروشی و رفع سد معبر گفت: "از مسائلی که اخیراً مورد بحث بوده، مسئله رفع سد معبر بوده است. اصولاً سد معبر از لحاظ فقهی در بلاد مسلمین یک کار حرام است و در حال حاضر نیز دست فروشی در تهران و در شهرهای دیگر مشکلات فراوانی را در امور اقتصادی و اجتماعی فراهم کرده است."

برقوار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

اعلامیه گروهی از هموطنان ارمنی

این است که کتابهای دینی اسلامی توسط موهلفان مسیحی نوشته شده، آنها به زبان ارمنی که حتما باید به زبان ارمنی تدریس شوند.

در برنامه رسمی مدارس فقط دو ساعت در هفته به تدریس زبان ارمنی اختصاص داده اند. حتی باخبر شدیم در برخی از مدارس ارمنی که تحت مدیریت غیر ارمنی اداره می شود، آن دو ساعت را هم به زنگ آخر موکول کرده اند که عملا صورت اختیاری پیدا کرده است. معنی این اعمال چیست؟ نتایج آن چیست؟ در یک کلام، نابودی زبان و فرهنگ ارمنی!

حاکمیت جمهوری اسلامی ایران با این حرکات نه تنها اعتماد ارمنه ایران را نسبت به خودش از دست می دهد، بلکه تمامی مردم ایران همصدا با ارمنه ایران، این سیاست ها و حرکات جمهوری اسلامی ایران را که علیه ابتدائی ترین حقوق اقلیت ها و بخصوص ارمنه ایران انجام گرفته است محکوم خواهند کرد.

هم اکنون سه سال است که پیرامون این مسائل مذاکرات شورای خلیفه گری ارمنه با مسئولین جمهوری اسلامی در جریان است ولی تاکنون نه تنها به نتیجه نرسیده است، بلکه از طرف دولت تصمیمات خطرناک و غیر مردمی در جهت پایمال کردن حقوق ارمنه ایران اتخاذ گردیده است. مردم ایران و برخی مسئولان دلسوز جمهوری اسلامی می بینند حکومتی که ادعای ضد ملی گراشی دارد، عملا سیاست تبعیض نژادی را در پیش گرفته است. حکومت که ادعای "ضد استبدادی" بودن را دارد، عملا به سیاست زور و اجحاف متوسل می شود. حکومتی که ادعای "مردمی بودن" دارد، عملا به سیاست های ضد مردمی دست می یازد... اگر حکومت جمهوری اسلامی خود را انقلابی می داند، موظف است به اصول قانون اساسی وفادار باشد. کتابهای دینی ارمنی باید بر اساس موازین کلیسایی ارمنه توسط افراد متخصص مسیحی نوشته شود...

چندی پیش در تهران اعلامیه ای از سوی گروهی از هموطنان ارمنی، پیرامون فشار بیش از اندازه قشری ها به معتقدان به مذاهب دیگر انتشار یافت. در زیر بخش هائی از این اعلامیه را برای درک ماهیت ارتجاع سیاه حاکم پر کشورمان نقل می کنیم.

"ارمنه ایران که سالیان دراز علیه ظلم و ستم شاهان مبارزه می کردند، دوش بدوش سایر مردم ایران در انقلاب شرکت کردند. امپریالیسم آمریکا و دولت های غربی و ایادیشان در تمام مدت (این پنج سال) دست از توطئه بر نداشتند. ارمنه ایران، همراه با سایر مردم ایران این توطئه ها را خنثی کردند و در این راه شهید دادند. ارمنه ایران به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رای دادند. قانون اساسی با وجود کمبودهایش حقوق ما را به رسمیت شناخته است. ولی متأسفانه حاکمیت و دولت جمهوری اسلامی برخلاف وعده هایش، اصول قانون اساسی را زیر پا گذاشته است. تصمیمات و سیاست های اخیر دولت جمهوری اسلامی و نخست وزیری در رابطه با مدارس ارمنی و تدریس تعلیمات دینی به زبان فارسی نگرانی عمیقی در جامعه ایران به وجود آورده است که مسئول مستقیم این نگرانی ها و اعتراضات خود دولت جمهوری اسلامی است.

اصل ۱۲ قانون اساسی بطور صریح گفته است که اقلیت های دینی در احوال شخصی و تعلیمات دینی طبق آئین خود عمل نمایند و اصل ۱۵ قانون اساسی، تدریس زبان و ادبیات قومی و محلی را در کنار زبان فارسی آزاد دانسته است. حال ببینیم دولت و نخست وزیری و آموزش و پرورش از ما چه می خواهند؟ و چه چیزی را اجرا می کنند؟ دولت از ما می خواهد که تعلیمات دینی خود را به زبان فارسی بخوانیم. هم اکنون کتابهای دینی که از طرف آموزش و پرورش به مدارس ارمنی توزیع شده اولاً به زبان فارسی است و ثانیاً توسط موهلفان مسلمان نوشته شده است. این درست مثل

زد و بند های پنهان حکام ج.ا.ا. با امپریالیسم جهانی افشاء کنیم!

پرداخت غرامت به انحصارهای ایتالیایی

ماه گذشته، روزنامه های ایتالیایی، گزارشهایی در باره تاریخ بفر یک هیئت اقتصادی ایتالیایی، مرکب از نمایندگان انحصارات ایتالیایی به جمهوری اسلامی منتشر کردند.

این گزارش ها حاکی از آن است که مقامات جمهوری اسلامی قصد آن دارند که همه قراردادهای منعقد شده در زمان شاه در باره ساختمان اسکله بندر عباس و فولاد مبارکه اصفهان را به انجام برسانند. هزینه احداث اسکله بندر عباس یک میلیارد دلار است که جمهوری اسلامی تا کنون نیمی از آن را پرداخته است. هزینه احداث پروژه فولاد مبارکه نیز یک میلیارد و سیصد میلیون دلار ارزیابی شده است.

یک روزنامه ایتالیایی می نویسد: "دو طرف تصمیم دارند روابط اقتصادی در کشور ایتالیا بدانجا برسانند که ایتالیا سهم بزرگی در پیشرفت و ترقی ایران (۱۲) داشته باشد. ایران پس از مدتی دوری دو باره برقراری این گونه روابط را با کشورهای دیگر آغاز کرده است (۱۳) استامپا ۲۰ فوریه ۸۴). از سوی دیگر بنا به گزارش روزنامه دیگری دو شرکت ایتالیایی "ایتال استات" و "کندت" مبلغ ۶۰ میلیارد لیر غرامت بابت صدمات وارده به این شرکت ها طی مدت تاخیر در اجرای قراردادها از جمهوری اسلامی طلب کرده اند. جمهوری ایران این تقاضا را پذیرفته است، ولی پرداخت این مبلغ به آینده واگذار شده است. (۱۴) فوریه ۸۴)

پیشنهاد ج.ا.ا. برای بازسازی "بسمان عمران منطقه ای"

سومنت اوووالپ، سرپرست هیئت نمایندگی ترکیه فاش کرد که ایران، ترکیه و پاکستان اولین دیدار خود را در سطح سفیر در این ماه در تهران خواهند داشت. او اظهار داشت این دیدار، بنای پیشنهاد ایران به منظور بازسازی سازمان عمران منطقه ای صورت می گیرد.

او اضافه کرد که ایران که بعد از انقلاب اسلامی پیشنهاد انحلال این پیمان را نموده بود، اینک خود برای احیای آن در سطح معاونین وزیر پیش قدم شده است. به نقل از "پاکستان تایمز" اورسیز ویک لی "چاپ لاهور، شماره



فریدون تنکابنی:

شولوخف و به آذین

اخیرا نامه ای از فریدون تنکابنی نویسنده انقلابی مشهور دریافت داشتم که در آن، به مناسبت مرگ میخائیل شولوخف نویسنده نامدار شوروی، از خاطره م. ا. به آذین نویسنده مبارز سیاسی و مترجم اصلی آثار شولوخف به فارسی یاد شده است. "راه توده" این نامه را به یاد به آذین آزاد - آنچنان که زحمتکش ایران او را می شناختند - به چاپ می رساند:

خبر درگذشت میخائیل شولوخف، نویسنده نامدار شوروی، خوانندگان آثارش را در تأسف و تأثر عمیقی فرو برد. اما اندوه ناشی از فقدان نویسنده ای بزرگ و انسانی والا، همراه با حسرت و دریغ نیست، چرا که این تسکین وجود دارد که شولوخف از همان آغاز دوران نویسندگی اش با استقبال به حق خلق های شوروی و جهان روبرو شد. کتاب های به ده ها زبان ترجمه و در میلیون ها نسخه چاپ شد. از آن ها فیلم های سینمایی تهیه کردند. درمی بین و در جهان بزرگ ترین ستایش ها را از او کردند و بهترین پاداش ها را به او دادند. در سایه نظام سوسیالیستی میهنش زندگی پربار و بی دغدغه ای را گذراند و در ۷۸ سالگی، غرق در افتخار و ستایش، به گفته شاعر، "چون شعی خاموش شد."

اما اگر به "سرنوشت یک انسان" دیگر، نویسنده ای نامدار و انسانی مبارز و والا، م. ا. به آذین، مترجم برجسته آثار شولوخف (رده ها شاهکار دیگر ادبیات جهان) ببیندیم، نه

تلهاد چار تأثر و اندوه که دستخوش حسرت و درد و دریغ می شویم و به خشم می آیم.

به آذین نه تنها نویسنده، منتقد و مترجم برجسته ای است، بلکه انسان مبارزی است که همه عمر برای آزادی و دموکراسی رزمیده است. هم به قلم و هم به قدم. گذشته از نوشته هایش در این باره، به آذین همواره کوشیده است اهل قلم و اهل هنر را متحد و متشکل کند و تلاش های فردی آنان را به کوشش جمعی بدل سازد.

در رژیم شاه، به آذین از تشکیل دهندگان کانون نویسندگان ایران بود. پس از انقلاب، در شرایط تازه، همراه با دیگر نویسندگان و هنرمندان، شورای نویسندگان و هنرمندان ایران را به وجود آورد. اما به کوشش های ادبی و سیاسی به آذین چه پاسخی داده شد؟ در رژیم شاهنشاهی به آذین بارها بازداشت و زندانی شد. یک بار پس از کودتای ۲۸ مرداد، بار دیگر در سال ۱۳۲۹ (که ره آورد این سفر ناخواسته، کتاب "میهمان این آقایان" است)، بار دیگر در سال ۱۳۵۷ و در جریان اوج گیری انقلاب ایران، که به آذین جمعیت "اتحاد دموکراتیک مردم ایران" را به وجود آورد و در نخستین اعلامیه آن، شخص شاه را به عنوان زکر و آلت دست امپریالیسم آمریکامحرم و مقصر شناخت و محکوم کرد.

به آذین، با وجود بیماری قلبی، بی درنگ بازداشت و در یکی از سلول های کینته زندانی شد و نه تنها به خانواده اش اجازه ملاقات ندادند که از قبول داروهای هم که برای او

آورده بودند، خودداری کردند. حال آن سیاستمداران "وزین و چا سنگین" را از زندان مستقیماً به "حضور اعلیحضرت" می بردند تا در صورت توافق، ترتیب نخست وزیری شان را بدهند.

به آذین هم مانند سایر زندانیان سیاسی، با فشار مردم، از زندان آزاد شد. و پس از انقلاب، صمیمانه در راه پیشبرد اهداف انقلاب کوشید. اما در یورش ضد مردمی ارتجاع حاکم، در بهمن ۶۱، به آذین، دبیر شورای نویسندگان و هنرمندان ایران نیز بازداشت شد و اکنون نیز بیش از یک سال است که در زندان است.

زعمای جمهوری اسلامی، این نویسنده بزرگ، مترجم برجسته و انسان آزاده و والا را مجبور کرده اند که دوران سالخوردگی و بیماری خود را در زندان های دوزخی جمهوری اسلامی بگذرانند. این سرنوشت به آذین و "قدردانی و حق شناسی" از او بود. اما کتاب های او نیز سرنوشت بهتری نداشته اند. به نوشته های خود او که در رژیم شاهنشاهی "ممنوع الانتشار" بودند و در رژیم جمهوری اسلامی هم همچنان "ممنوع الانتشار و ضاله" ماندند، فعلاً کاری نداریم. ترجمه های او نیز همان سرنوشت را داشتند. ترجمه استادانه "زمین نوآباد" شولوخف، درست هنگامی منتشر شد که رژیم شاهنشاهی، مدعی "اصلاحات ارضی" بود. و می دانیم که موضوع اصلی این کتاب حل مسئله ارضی در اتحاد شوروی پس از انقلاب است. این کتاب را توقیف کردند و دیگر اجازه انتشار دریافت. بعد از انقلاب هم، جز دوران کوتاه اولیه، آتش همان آتش بود و کاسه همان کاسه، سانسور همان سانسور و "فهرست کتب ضاله" همان فهرست شاهنشاهی.

نکته جالب تر این که در کشوری که داشتن پدری با نفوذ و پر قدرت نردیام ترقی فرزندان است، فرزندان به آذین هم در مصائب و رنج های پدر شریک می شوند و در حقیقت چوب "فرزند به آذین" بودن را می خورند. پسر به آذین، یک بار در زمان شاه بازداشت و زندانی شد و بار دیگر در رژیم جمهوری اسلامی، تنها به گناه "پسر به آذین" بودن بازداشت شد و هنوز هم در زندان است.

دختران به آذین که معلم بودند، بی درنگ "پاکسازی" و از کار برکنار شدند.

به این ترتیب، در مقایسه زندگی شولوخف و زندگی به آذین و در مقایسه پاداشی که به هر کدام داده شد، آیا حق نداریم این شعر شاعر را تکرار کنیم که: نه بر مرده بر زنده باید گریست؟

اما حساب حاکمان ضد خلقی "مکتبی" از حساب خلق جداست. خلق ما بزرگترین سیاست ما و ستایش ما را نثار فرزند شایسته خویش به آذین، کرده است. کتاب های او را چون ورق زر می بردند و می بردند. در سخنرانی های او، پیش از پیروزی انقلاب و پس از آن ده ها هزار تن حاضر می شدند. و اکنون نیز خلق ما نگران سرنوشت به آذین است.

حاکمیت و اسلامی، یا حاکمیت و شلاقی

در "امداد فیهی" و معجزه شک کنی شلاق می خوری... شلاق داروی همه دردهاست. هم مبارزه با احتکار و گرانفروشی و فروش مواد مخدر با شلاق صورت می گیرد و هم تهیه ردیه بر ماتریالیسم دیالکتیک برای نایش در سیمای زشت جمهوری اسلامی!

این روزها ظاهراً آتش شلاق بیش از "حدمجاز" شور شده است. زیرا یکی از "تئوریسین" های حکومت "شلاق" مجبور شده در خطبه نماز جمعه بگوید که منظور از "تعزیر اسلامی"، فقط شلاق زدن نیست، بلکه می توان با گرفتن پول و جرمه نقدی هم "تعزیر" کرد. خوب این فکر بدیع و نوآوری "اسلامی" لااقل می تواند پولدارانی را که دمی به خمر زده اند یا در حال ورق بازی بوده اند و ناگهان "ثارالله" آنها را در اتاق خواب غافلگیر کرده است از شلاق خوردن بپرانند تا آبروی خمس و زکات دهندگان ریخته نشود. بگذار شلاق بماند برای کارگران و دهقانان، برای توده ای و فدائی و مجاهد در سکنجه گاه اوین، برای خلق.

ارتجاع قشری حاکم بر میهن پلاکشیده ما ایران، شلاق را تنها نوشداروی درمان آنچه که غیر "اسلامی" می شمارد، می شناسد. زنان را شلاق می زند که چراتاری از مویشان دیده شده و سنگر خود "حجاب" را رها کرده اند و پیرمردان را شلاق می زند تا علیه مارکسیسم و کمونیسم "مصاحبه" کنند. کارگران را در زیر زمین وزارت کار شلاق می زند تا دیگر از کارفرمایان متعهد به "اسلام و ولایت فقیه" حق قانونی خود را طلب نکنند. کسانی که با برقرار کردن "ازدواج موقت" و "سیفه" زن محروم ایرانی را به زور به فحشا می کشانند، زنان محترم سپید موئی را شلاق می زند تا جلوی دوربین "سیما" جمهوری اسلامی بگویند در میان کمونیستها، این بزرگترین مدافعان حقوق و شخصیت زن، "فحشا" وجود دارد.

این فهرست زشتکاری را در جمهوری اسلامی پایانی نیست. همه چیز با شلاق حل و فصل می شود. کج پنشنی شلاق می خوری، راست بگوشی شلاق می خوری، به بازگشت خان و مالک اعتراف کنی شلاق می خوری،



اوضاع لبنان

اوضاع بیروت و اطراف آن در هفته گذشته همچنان متشنج بود. تیراندازی متقابل با استفاده از سلاحهای سنگین در امتداد خطی که بیروت را به بخشهای غربی و شرقی تقسیم کرده است، ادامه یافت. غرش توپها در بخش کوهستانی لبنان نیز خاموش نماند. در مناطق جنوبی لبنان که تحت اشغال نیروهای مسلح اسرائیل است استیلاگران به اعمال ترور و زور گویی در مورد اهالی محلی شدت می‌دهند. باید گفت که پس از لغو موافقتنامه اسارت بار منعقد با تل‌آویو از سوی دولت لبنان، تجاوزگران به انجام عملیات سفاکانه وسیع در نقاط مسکونی دست زدند.

در چنین اوضاع و احوالی در روز ۱۲ مارس در شهر لوزان سوییس مرحله دوم کنفرانس آشتی ملی در لبنان آغاز شد. مسائل مربوط به عادی کردن اوضاع کشور و طرق دستیابی به موافقتنامه آتش بس، فرمول بندی اصول عمومی رفع بحران در داخل لبنان و تشکیل دولت توافق ملی از جمله مسائلی است که در دستور روز این کنفرانس گنجانده شده بود. از سرگیری این کنفرانس تنها در نتیجه لغو موافقتنامه اسارت باری که از سوی واشنگتن و تل‌آویو به لبنان تحمیل شده بود، میسر گردید. در پایان این کنفرانس موافقت نامه‌ای برای برقراری آتش بس به امضا رسید و کمیسیون ویژه‌ای برای نظارت بر انجام این موافقت نامه تشکیل داده شد.

این پیروزی بزرگ میهن پرستان لبنانی است. در عین حال در محافل سیاسی اعراب متذکر می‌شوند که دور دوم مذاکرات در شرایط ادامه اشغال تقریباً یک سوم سرزمین لبنان از سوی نیروهای مسلح اسرائیلی و نیز حضور سپاه آمریکایی مستقر در کشتی‌های جنگی ناوگان ششم آمریکا که در نزدیکی سواحل لبنان مستقرند، برگزار شد.

روزنامه‌های لبنان منجمله روزنامه السفير یادآوری می‌کنند که تشدید بحران نظامی در آن منطقه با مداخله ناهنجار اسرائیل و آمریکا در امور داخلی لبنان مربوط است.

روزنامه الندامی نویسد واشنگتن از ثمرات تجاوز اسرائیل بهره‌گیری کرده و تابستان سال ۱۹۸۲ تفنگداران دریایی خود را زیر عنوان به اصطلاح نیروهای چندملیتی وارد بیروت کرد و سپس کشتی‌های جنگی ناوگان ششم را در نزدیکی سواحل لبنان متمرکز ساخت. طی تقریباً ۱۷ ماه سربازان آمریکایی خاک لبنان در نواحی جنوب پایتخت را لگد مال می‌کردند و محلات مسلمان نشین را به توپ می‌بستند.

ژرژ هاشمی دبیر کل حزب کمونیست لبنان طی بیاناتی اظهار داشت موفقیت قطعی کنفرانس لوزان به حل و فصل مسائلی نظیر رهائی جنوب لبنان از اشغالگران اسرائیلی و از بین بردن همه اشکال حضور نظامی آمریکادر لبنان بستگی دارد.

ابرهای سیاه بر فراز خلیج فارس

هفته نامه "عصر جدید"، چاپ مسکو در شماره دوم مارس خود در مقاله‌ای با عنوان "ابرهای سیاه بر فراز خلیج فارس" به قلم ک. درامبیانتس چنین می‌نویسد:

جنگ خونین و ادامه‌یابنده میان ایران و عراق که هر دو کشور نقش مهمی در جنبش ضدامپریالیستی داشتند آنان را تضعیف و بی‌رسم می‌کند و از مبارزه با خطر امپریالیستی که بر فراز سرخاورد زده‌یک مترصد است باز می‌دارد. در واشنگتن هنگامی که پیرامون تدارکات صحبت می‌کنند، تدارکاتی که به منظور مقابله با تهدید توقف جریان نفت از منطقه خلیج فارس دیده شده، آشکارا این مطلب را در نظر دارند. هدف و استراتژی واشنگتن این است که این حق را به خود اختصاص دهد. مورد سرنوشت خلیج فارس و تضمین امنیت منطقه را با تصمیم بگیرد. طراحان نظامی آمریکا برای توجیه مقاصد خود می‌گویند کشورهای عربی این بخش از جهان، غول‌های اقتصادی هستند ولی نمی‌توانند به تنهایی امنیت خود را تضمین کنند و به این جهت باید روی قدرت نظامی آمریکا حساب کنند.

مؤلف مقاله معتقد است ایالات متحده آمریکا، تمایل ندارد که نقشه‌های مداخله گرانه خود را به تنهایی پیاده کند، گرچه برای انجام این کار نیروی کافی در خلیج فارس گردهم آورده است. بدین منظور واشنگتن می‌کوشد به اعمال خود خصلت "دسته جمعی" بدهد و متحدان ناتوی - انگلستان و فرانسه را که دارای نیروی دریایی عظیمی در نزدیکی خلیج فارس هستند، در این کار شریک کند.

خطر مذاخله امپریالیستی که بر فراز خلیج فارس می‌گردد، بار دیگر ثابت می‌کند جنگ ایران و عراق باید پایان یابد و آرامش و صلح در منطقه برقرار شود.

نوروزتان

خجسته!

نوروز، جشن پیروزی روشنائی بر تاریکی، و پیروزی بهار بر زمستان، و فرا رسیدن سال نو را به هموطنان گرامی شادباش می‌گوییم و آرزو داریم سال نو، سال آزادی، سال نجات انقلاب، سال صلح و سال بهروزی مردم و پیروزی در کار و یکپارباشد.

خاطراتی از رفیق شهید ناخدا یکم بهرام افصلی

بقیه از صفحه ۹

می‌گویند اینها جاسوس بودند... آیا در زندانهای خمینی به روی یکی اتز میجامع بین‌المللی که از حقوق بشر دفاع می‌کنند تا به حال باز شده است یا لگرم شده همان روش شاه ملعون به کار گرفته شده که زندانیان را شکنجه می‌دهند تا به مامور سازمان حقوق بشر بگویند که شکنجه نشده‌اند و از زندانی بودن خود بسیار مسرور هستند چون زندان مثل مدرسه برای آنها...
در پایان نامه ام دلم می‌خواهد یک لحظه هم این فکر به خاطر عزیزتان خطور نکند نکته اینها جاسوس بودند...

دلم می‌خواهد به عنوان یک ایرانی به شما که در هر جای دنیا هستید شما که برای ایران و آزادی‌اش پیکار می‌کنید بگویم که برای همه زندانی‌های سیاسی ایران حال می‌خواهند افسر، دانشجو، خانه‌دار و غیره باشند دفاع کنید به شغل و عقاید سیاسی آنها کاری نداشته باشید... مملکتی بروی پای خود خواهد ایستاد که مردمش به حدی از رشد فکری رسیده باشند که به عقاید سیاسی، مذهبی و آزادی‌های فردی یکدیگر احترام بگذارند.

کمک مالی به حزب توده ایران! یک وظیفه انقلابی است!

• هواداران حزب توده ایران و
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در
بریتانیا
هزینه‌های چاپ این شماره "راه توده" را
تأمین کردند

شعبه حزب سوسیالیست پرتوریکد رشیکا گوه آدلار

د هواداران حزب در بریتانیا هر یک ۱۰ پوند

RAHE TUDEH

No. 84

Monday, 19 Mars 84

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price: England 30 P.
West-Germany 1 DM Belgium 22 Fr.
France 3 Fr. Italy 600 L.
Austria 8 Sch. U.S.A. 50 Cts.
Sweden 3 Skr.

راه
توده